

شبان

SHABAN ◆ MAGAZINE

شماره ۷۶، بهار ۲۰۱۷
مجله‌ای برای تعلیم، تجهیز و تشویق
شبانان و خادمین

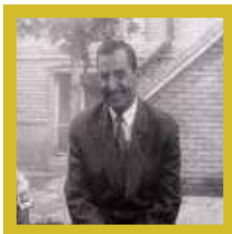
تفسیر کلام با ابزار ترجمه

گفتگو با کنت توماس

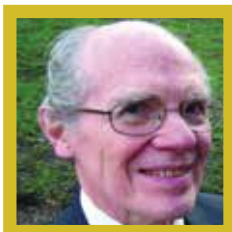
سارو خاچیکیان و ترجمه تفسیری



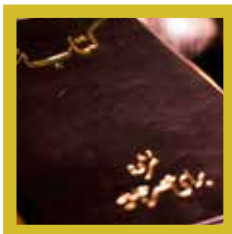
شماره ۷۶، بهار ۲۰۱۷، فصلنامه‌ای برای تعلیم، تجهیز و تشویق شبانان



۳
یادی از
شموئیل اسحاق



۹
گفتگو با
کنت توماس



۱۲
نقدی بر
ترجمه کتاب مقدس



۳۰
گفتگو با
سارو خاچیکیان

سخن شبان/ ۲

روایتی از زندگی شموئیل اسحاق/ ۳

مصاحبه با دکتر کنت توماس/ ۴

نقدی بر ترجمه‌های کتاب مقدس/ ۱۲

ابزار ترجمه برای تفسیر کلام/ ۱۸

خصوصیات رهبران کلیسا/ ۲۳

کلیسا: بدن واحد/ ۲۷

مصاحبه با سارو خاچیکیان/ ۳۰



۲۷

کلیسا: بدن واحد

سخن شبان

کنید. شاید عده‌ای بر این باور باشند که کلیسای پروتستان نوظهور ایرانی هنوز به اندازه کافی به بلوغ نسبی دست نیافته که بیش از این تخصصی عمل کند یا در صف دیگر، اعتقاد بر این باشد که عمومی‌نگری و نگاه نسبتاً نیمه تخصصی به مقوله شبان در حین آموزش اصول اولیه باید سرلوحه نگاه و منشور کار ما باشد. به هر روی، تقاضا می‌کنم نظریات خود را به صورت مستقیم با ما در میان بگذارید.

اما در این شماره همچنان بحث ترجمه‌های مختلف کتاب مقدس را پی گرفتیم و مصاحبه کوتاهی با کشیش سارو خاچیکیان ترتیب دادیم و نگاه گذرای به تاریخچه و فلسفه ترجمه تفسیری داشتیم. همچنین مصاحبه تخصصی و دقیقی با دکتر کنت توماس درباره کتاب اخیر ایشان در باب تاریخچه ترجمه کتاب مقدس به فارسی داشتیم. در این شماره به مبحث مهم کلیسا خواهیم پرداخت و همچنان مبحث خصوصیات رهبران کلیسا را در سال پیش رو پی خواهیم گرفت.

در انتها، این شماره از شبان را به یادبود بیش از شش دهه تلاش و خدمت مستمر، به کشیش شموئیل اسحاق تقدیم می‌کنیم و یاد و خاطره او را گرامی می‌داریم.

با شادباش سال و بهار نو، از همراهی شما در سال جدید بسیار سپاسگزاریم. آنچه از گوشه و کنار به گوش ما می‌رسد حاکی از آن است که همه شبان را می‌خوانند- هم شبانان و هم ایمانداران بدون منصب کلیسایی. این خبر در عین حال که خبر مسرت‌بخشی است، نیاز شدید به تغذیه مخاطب عام را دوچندان مهم‌تر جلوه می‌دهد. به عبارت دیگر، اگر مجله‌ای تخصصی برای شبانان، مخاطب عام دارد، این خود نشانه‌ای است که مخاطب عام احتمالاً مجله مناسب و درخور دیگری در اختیار ندارد یا دست‌کم تعداد این محصولات بسیار محدود و کم است؛ یا کیفیت محصولات دیگر به اندازه‌ای نیست که جذب مخاطب کند؛ یا کیفیت این مجله و مطالب آن، چنان خواندنی است که همه را مجذوب خود می‌کند، البته شوخی بهارانه سال جدید خالی از لطف نیست؛ یا اگر بخواهیم از خود انتقاد کنیم، محتوای این مجله به اندازه کافی تخصصی نیست که فقط مخاطب خاص خود را جذب کند. غرض از نوشتن این سطور، انتقاد از دیگران نیست بلکه یافتن صدایی است که بتوانیم خط مشی شبان را در سال‌های آتی به سمت و سویی درست هدایت کنیم. از این رو، فکر می‌کنم این شما خوانندگان شبان هستید که می‌توانید در این راه به ما کمک



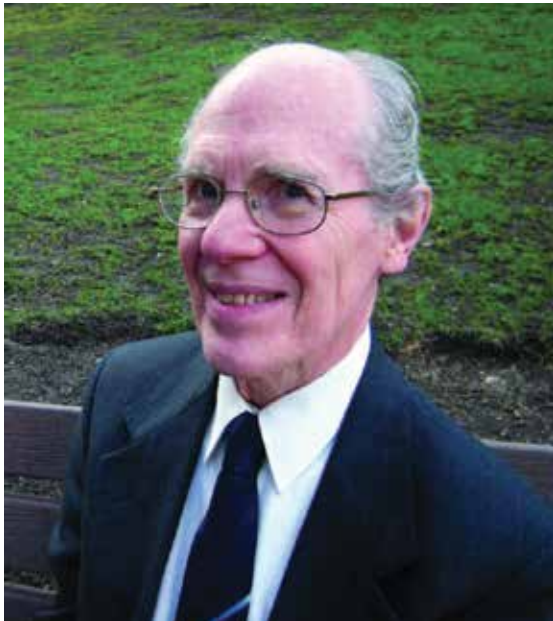
روایتی از زندگی شموئیل اسحاق

یگانه» طی یک کنفرانس کلیسایی در همدان آشنا شد و بعد از ازدواج دوباره به رشت نقل مکان کردند و آنجا بود که دخترشان «فلورنس» به دنیا آمد.

در سال ۱۹۵۵ به همدان منتقل شد تا رهبری کلیسای انجیلی آنجا را برعهده بگیرند. به مدت چند سال، از او خواسته شده بود تا علاوه بر خدمت در کلیسای انجیلی، در کلیسای ارمنی و پنطیکاستی آشوری همدان نیز موعظه کند. در همدان بود که فرزند دوم آنان «فریدون» به دنیا آمد. در سال ۱۹۵۹ دوباره نقل مکان کردند؛ این بار به تبریز تا شبانی کلیسای انجیلی آنجا را به عهده بگیرد. در تبریز او رسماً به مقام کشیشی دستگذاری شد و به مدت ۴ سال در آنجا به شبانی و موعظه پرداخت. آخرین فرزند آنها، «فردریک»، در تبریز به دنیا آمد. در سال ۱۹۶۳ به تهران منتقل شد تا برای یک دوره موقت پنج ساله، شبانی کلیسای انجیلی آشوری

کشیش شموئیل اسحاق، در سال ۱۹۲۴ و در روستای علی‌بیگلو در اطراف ارومیه به دنیا آمد، اما قسمت اعظم کودکی او در روستای ساعتلو سپری شد. بعدها در ایام نوجوانی به بابل در مازندران، نزد برادر بزرگ‌ترش یوناتان نقل مکان کرد و در کنار او به کشاورزی مشغول شد تا وقتی که مبشری به بابل آمد. شموئیل قلب خود را به مسیح سپرد و در سن ۲۲ سالگی وارد خدمت مسیح شد.

او خدمت خود را با انجمن کتاب‌مقدس در ایران شروع کرد و به عنوان یک مبشر شهر به شهر و روستا به روستا سفر می‌کرد تا پیغام مسیح را برساند و نیز به فروش ادبیات مسیحی بپردازد. همکاری او با انجمن، ۲۳ سال ادامه داشت. در سال ۱۹۸۴ به رشت نقل مکان کرد و در کنار شغل خود، وظیفه اداره گروه جوانان و نیز شبانی کلیسای انجیلی رشت را عهده‌دار شد. در سال ۱۹۵۱ با همسرش «آلیس



کنت توماس به مدت بیست سال مشاور ترجمه انجمن‌های متحد کتاب مقدس بوده و طی این مدت با پروژه‌های ترجمه در خاورمیانه و جنوب آسیا کار کرد. او ۱۷ سال در ایران زندگی کرده و آنجا شعبه ایران مدرسه الهیات خاور نزدیک (بیروت، لبنان) را اداره کرد. کنت توماس مدرک لیسانس خود در رشته تاریخ را از دانشگاه ییل (Yale)، مدرک لیسانس و فوق لیسانس خود را از مدرسه الهیات سانفرانسیسکو، و مدرک دکترای خود در مطالعات کتاب مقدسی را از دانشگاه منچستر در انگلستان دریافت کرده است. او یک فصل از کتاب «مطالعاتی در کتب هفتاده یا سپیوجانت» که توسط س. جلیکو تنظیم شده را نوشته است. وی همچنین در نوشتن «کتاب راهنمای عزرا و نحمیا» با فیلیپ ناس، و کتاب «ساختار و زبان رساله اول پطرس، راهنمایی برای مترجمان» با مارگارت توماس همکاری کرد که هر دو توسط انجمن‌های متحد کتاب مقدس منتشر شده است. او هم اکنون ساکن نیویورک آمریکاست.



توما را تقبل کند. این دوره موقت بعداً تبدیل به خدمت تمام وقت او در همان کلیسا شد.

در سال ۱۹۶۵ وی به عنوان مدیر شورای کلیساهای انجیلی ایران برای یک دوره دو ساله انتخاب شد که ۱۱ دوره، مدیریت او تمدید شد و طی این مدت، مسئول تمام کلیساهای آشوری، ارمنی و فارسی زبان انجیلی در ایران بود و برای نظارت و ملاقات کلیساها، سفرهای متعددی به شهرهای مختلف ایران انجام داد.

کشیش شموئیل و همسرش آلیس، بعد از سالها جدایی از فرزندان‌شان، در سال ۱۹۸۷ به ایالات متحده مهاجرت کردند. در آنجا او تا سال ۲۰۰۱ که بازنشسته شد و مراقبت از همسر بیمارش را به عهده داشت، شبان کلیسای انجیلی آشوری شهر تورلاک در کالیفرنیا بود. در سال ۲۰۰۳ برای نزدیک‌تر بودن به فرزندان‌شان به سن حوزه نقل مکان کردند. در مارس ۲۰۱۱، کشیش شموئیل آلیس را بعد از ۶۰ سال زندگی مشترک، از دست داد و خود نیز در یکشنبه ۱۵ ژانویه ۲۰۱۷ به دیدار نجات‌دهنده‌اش و آلیس شتافت.

مصاحبه‌ شبان با دکتر کنت توماس

👤 دکتر توماس، پیشتر از وقتی که در اختیار شبان قرار دادید بسیار سپاسگزارم. اخیراً کتابی تحت عنوان جستجویی پرتلهاب (A Restless Search) درباره تاریخ ترجمه کتاب مقدس فارسی به قلم شما به چاپ رسیده است. لطفاً قدری درباره دلیل نگارش این کتاب برای خوانندگان ما بگویید. چه شد که این کتاب را نوشتید؟

حدوداً پنجاه سال پیش در مشهد، در حال مرتب کردن کتابها در یک کتابخانه قدیمی بودیم که کتابی دیدم با حروف عبری روی جلدش. وقتی کتاب را باز کردم فوراً متوجه شدم با اینکه روی جلد حروف عبری وجود داشت اما کتاب به عبری نبود. کتاب یک «عهد جدید» ترجمه شده به فارسی بود. و با خطی نوشته شده بود که یهودیان ایرانی به خواندن آن عادت داشتند. این کشف، اولین قدم من در یادگیری این موضوع بود که تاریخ ترجمه فارسی کتاب مقدس بسیار پیچیده‌تر از آن است که می‌دانستم. بعدها وقتی ایران را ترک کردم، مشاور انجمن‌های متحد کتاب مقدس برای پروژه‌های ترجمه کتاب مقدس در ایران و افغانستان و دیگر کشورهای مجاور شدم. این منجر به یک درخواست از طرف دائره‌المعارف ایرانیکا (که به انگلیسی منتشر شده است) در سال ۱۹۸۷ شد که چند مقاله برای دائره‌المعارف در مورد تاریخ ترجمه کتاب مقدس به فارسی و زبان‌های ایرانی بنویسم. تحقیق برای مقالات من را بسیار مشتاق کرد، و چند نفر از رهبران ارزشمند کلیسای ایرانی من را برای بسط دادن یکی از مقالات که شامل داستان مترجمان و نتایج ترجمه‌ها بود، تشویق کردند. همچنین

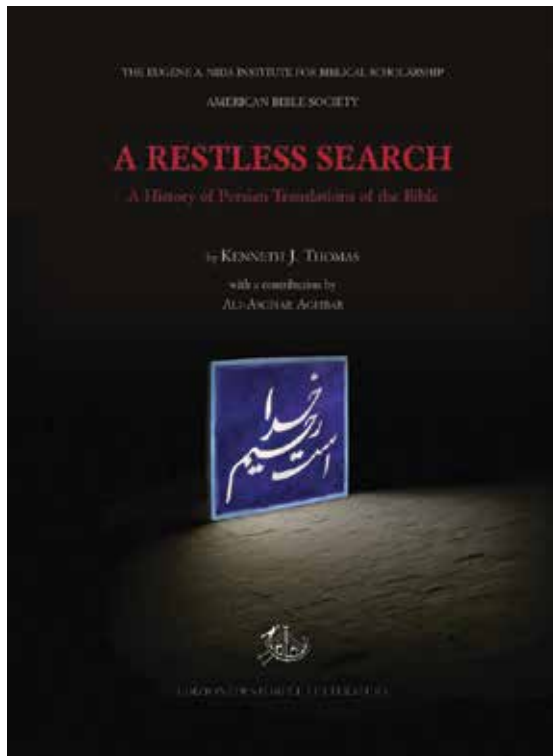
پی بردم که برخی از اولین نسخه‌های ترجمه شده فارسی عهد عتیق در قرن سیزدهم (که همچنین به خط عبری هم نوشته شده بودند) در کتابخانه مدرسه الاهیات یهودی در نیویورک بودند؛ تقریباً یک بلوک دورتر از جایی که در حال حاضر زندگی می‌کنم. از آنجایی که می‌توانم فارسی که به خط عبری نوشته است بخوانم، می‌خواستم اینها را بخوانم. یکی از همکارانم در انجمن کتاب مقدس این را می‌دانست، بنابراین وقتی انستیتو «تایدا» برای تحقیقات کتاب مقدسی انجمن کتاب مقدس آمریکا تصمیم گرفت تا یک دوره کتاب درباره ترجمه کتاب مقدس به زبان‌های مختلف منتشر کند، همکارم از من خواست اگر تمایل دارم یکی از کتابها را در مورد ترجمه فارسی بنویسم. در سال ۲۰۰۶ تحقیقات و نوشته‌های چند ساله خود را برای مطالعه، با کمک تعدادی از دوستان ایرانی و موسسات بین‌المللی شروع کردم. من در اشتیاق خودم برای جمع‌آوری اطلاعاتی که ایرانیان مسیحی را تشویق کند و به آنها برای تاریخشان افتخار بدهد، رشد کردم. داستان ترجمه فارسی کتاب مقدس به خیلی قبل‌تر از آنچه خیلی‌ها می‌دانند بر می‌گردد؛ دخیل بودن خود ایرانی‌ها (شامل مسیحیان، یهودیان، مسلمانان، و حتی زرتشتی‌ها) بیشتر از اسامی شناخته شده‌ای است که بتوانیم باور کنیم. و تعداد ترجمه‌های بخش‌هایی از کتاب مقدس بسیار بیشتر از آن است که عموماً می‌دانند. کتاب جستجویی پرتلهاب، کتابی قطور و گران است؛ به همین خاطر خوشحالم که در ۱۰ سال گذشته، فرصت‌هایی داشتم که در مورد اطلاعات این کتاب با هر دو گروه ایرانیان مسیحی و غیر ایرانی‌ها صحبت کنم.

📖 کتاب شما علاوه بر نگاه ادبی و سبک نگارش، نگاهی تاریخی به ترجمه کتاب مقدس دارد. شما با ظرافتمندی ترجمه‌های فارسی کتاب مقدس را به هشت دوره تاریخی تقسیم کردید که عبارتند از (۱) دوره پارتیان و ساسانیان، (۲) دوره اولیه اسلام، (۳) دوره مغول، (۴) دوره صفوی، (۵) دوره افشار، (۶) دوره قاجار، (۷) دوره پهلوی، و (۸) دوره انقلاب اسلامی تاکنون. دو دوره مغول و افشار، دوران نسبتاً کوتاهی در مقایسه با سایر دوره‌های تاریخی دارند. اهمیت دوره مغول و دوره صفویه در تاریخ ترجمه کتاب مقدس فارسی چیست؟

در پایان دوره مغول کلیساهای ایران تقریباً از بین رفتند. در این دوره بسیاری از مسیحیان به اجبار به مناطقی نقل مکان کردند که شکل اجتماع همسایه‌هایشان با آنها متفاوت بود، با زبان و دینی متفاوت. در این دوره بود که اولین ترجمه‌ها از اناجیل به فارسی انجام شد. اولین مترجم انجیل، که شخصی ارمنی به نام آوانس بود و از تبریز به شرق مسافرت کرده بود، نوشته است نسلی از مسیحیان را ملاقات کرده بود که به خراسان تبعید شده بودند و در میان فارسی‌زبانان زندگی می‌کردند. آنها قادر نبودند از زبان اجدادشان استفاده کنند - سریانی یا ارمنی - و به حد کفایت برای خواندن کتاب مقدس خوب نبودند. آنها به ترجمه‌ای از زبانی که حالا به آن صحبت می‌کردند احتیاج داشتند و از او خواهش کردند تا ترجمه‌ای به آنها بدهد. به طور شگفت‌انگیزی، ترجمه به زبانی که متعلق به مسیحیان نبود آنها را قادر می‌ساخت که هویت مسیحی خود را حفظ کنند. مترجم، زبانی را که زبان خودش نبود (سریانی) به زبانی که زبان خودش نبود (فارسی) ترجمه کرد. او چهار انجیل را در قالب یک روایت آورد، چون احساس کرده بود اینطور برای کسانی که از میراث خود بریده شده‌اند، قابل فهم‌تر است.

در دوره صفوی، چیزی مشابه اتفاق افتاد. مسیحیان ارمنی به اجبار از ارمنستان به اصفهان مهاجرت کردند. آنها به خاطر توانایی‌شان در کمک به ساختن یک پایتخت جدید و به

خاطر شبکه ارتباطی تجارت بین‌المللی‌شان که می‌توانست به ایران برای توسعه بازار ابریشم کمک کند، خواسته شده بودند. و آنها خود را در میان جامعه مسلمان فارسی‌زبانی یافتند که باید با آن تطبیق پیدا می‌کردند. چون شاه عباس به تجارت با اروپا علاقه‌مند بود، همچنین اجازه داد تا کاتولیک‌های اروپایی به عنوان مبشر بیایند و در اصفهان زندگی کنند. این افراد فارسی یاد گرفتند و روی ترجمه ادبیات مسیحی و بخش‌هایی از کتاب مقدس کار کردند؛ مورد دراماتیک دیگری



از خارجیانی که به زبانی غیر از زبان خود ترجمه کردند در دوره مغول به وجود آمد. در حالیکه تلاش مبشرین کمک کرد تا مسیحیان هویت خود را حفظ کنند، ترجمه دیگری انجام شده بود که دور از انتظار بود. یک پژوهشگر مسلمان شیعه به نام محمد باقر خاتون آبادی، در پاسخ به درخواست ملوکانه سلطان حسین ترجمه‌ای به طور کلی دقیق از اناجیل (از نسخه عربی) ارائه داد؛ و به آن یادداشت‌هایی انتقادی

از «اشتباهاتی» که مسیحیان در ترجمه کتاب مقدس شان داشتند، اضافه کرد. در دوره صفوی تلاش‌ها باعث شد تا سنی‌ها و همه اقلیت‌های دینی به مذهب شیعه که به مذهب رسمی ایران تبدیل شد، بگرایند.

🕒 شما به داستان ترجمه آوانس اشاره کردید. همانطور که در کتاب آوردید، ترجمه کامل کتاب مقدس به زبان ارمنی در قرن ۵ در اختیار ارمنه قرار داشت. آیا فکر نمی‌کنید اصولاً در ترجمه آوانس یا ترجمه‌هایی از این دست در گذشته، مثل ترجمه‌های امروزی از ترجمه‌های موجود به زبان دیگری به عنوان متن اصلی ترجمه استفاده کرده‌اند؟ آیا مدارکی در دست داریم که بدانیم آوانس یا مترجمین دوره‌های بعدی به زبان‌های اصلی عبری و یونانی تسلط داشتند یا خیر؟ طرز تفکرات درباره ترجمه به شکل قابل ملاحظه‌ای تغییر کرده است. تا قرن نوزدهم، مترجمین کتاب مقدس از روش لفظ به لفظ استفاده می‌کردند. آنها ترتیب کلمه و دستور زبان زبانی را که از آن ترجمه می‌کردند دنبال می‌کردند. کار آنها اغلب برای مطالعه کردن سخت بود چون از سبک معمول فارسی و ترتیب واژه در جملات استفاده نمی‌کردند. این موضوع تا زمانی قابل قبول بود که کتاب مقدس فقط در دستان گروه کوچکی از افرادی که توانایی خرید نسخه‌ای از آن را داشتند و می‌دانستند چطور آن را بخوانند وجود داشت. اما در اوایل قرن نوزدهم، کتاب مقدس به صورت چاپی منتشر و ارزان‌تر شد؛ در همان زمان، مردم بیشتری خواندن یاد گرفتند. و ترجمه‌ها روان‌تر و قابل فهم‌تر برای عموم خوانندگان شدند.

تعیین کردن زبان از یک ترجمه لفظ به لفظ قدیمی که انجام شده نسبتاً آسان است. کسانی که زبان یونانی می‌دانند، مثلاً می‌توانند متن یونانی را با ترتیب واژه‌ها در فارسی مقایسه کنند و ببینند که یکسان است. و، شاید یک مترجم کلمه‌ای در زبان سریانی را اشتباه فهمیده باشد که وقتی در فارسی

قرار می‌گیرد، خنده‌دار و یا نامفهوم باشد اما به اصل آن اشاره می‌کند. تعداد کمی از ترجمه‌ها به فارسی، مستقیم از عبری یا یونانی توسط پژوهشگران تحصیل کرده که بیشتر آنها خارجی هستند و فارسی را به خوبی نمی‌دانستند، انجام شده است. حداقل یکی از دو ترجمه کتاب مقدس در قرن چهاردهم مستقیم از یونانی توسط یک ایرانی به نام سرگیس لوح انجام شده است. کاملاً واضح است که آوانس که یک ایرانی ارمنی بود از سریانی ترجمه کرده است. سریانی، زبانی بود که عموماً در کلیساهای امپراطوری پارس استفاده می‌شد- زبانی که تقریباً توسط همه استفاده می‌شد؛ تفاوتی نداشت که زبان مادری آنها ممکن است چه باشد. هیچ شاهدهی وجود ندارد که او متن یونانی را در دسترس داشته است. امروزه زبان‌های بین‌المللی دیگری هستند که عموماً استفاده می‌شوند: مثلاً، انگلیسی یا فرانسوی یا در قسمت‌هایی از دنیا عربی. می‌دانیم که بیشتر مترجمان (حتی وقتی ادعا می‌کنند که یونانی یا عبری متن اصلی آنها است) ترجمه‌هایی در این زبان‌های بین‌المللی به زبان‌هایی که می‌توانند ترجمه کنند، دارند. هیچ ترجمه‌ای به فارسی که مسیحیان امروزی استفاده می‌کنند نمی‌شناسم که از پشتوانه یک زبان مدرن که در دسترس مترجمان است برخوردار نبوده باشد. مورد استثنا جامعه یهودی ایرانیان بود که می‌تواند مستقیماً از عبری ترجمه کند؛ این به صورت معمول زبان مذهبی است که از کودکی یاد گرفته می‌شود. مسیحیان در سراسر جهان بر این عقیده هستند که خدا از طریق ترجمه‌های کتاب مقدس هم صحبت می‌کند، نه فقط از طریق زبان اصلی. می‌دانیم که حتی نقل قول‌های عهد عتیق که در عهد جدید یافت می‌شوند گاهی از هفتاده یا سپیوجانت که ترجمه‌های یونانی از اصل عبری است، انجام شده‌اند. اما برای حفظ دقت، بررسی کردن ترجمه‌های کتاب مقدسی با یونانی و عبری حتی وقتی که مترجمان در حقیقت از زبان دیگری برای ترجمه استفاده کرده‌اند، یک روش معمول است.

در راستای سوال قبلی، اشکالی که به نظر من در نسخه‌های جدیدتر کتاب مقدس وجود دارد این است که تقریباً هیچ کدام از این ترجمه‌ها، از ترجمه مؤده گرفته تا ترجمه هزاره نو، توضیحات کافی در مقدمه خود نیاورده‌اند. برای مثال، اشاره دقیقی به متن اصلی مورد استفاده در ترجمه مؤده آورده نشده است یا در ترجمه هزاره تعریف دقیقی از اینکه روند ترجمه چه بوده نیامده است. در هر دو مثال اخیر، مقدمه نهایتاً در دو یا سه صفحه خلاصه شده است. سبک و زبان مورد استفاده، نوع ترجمه و پویایی یا تحت‌اللفظی بودن آن و ریزه‌کاری‌های ویرایشی، و اینکه متن انگلیسی معیار برای ترجمه به فارسی چه بوده و احتمالاً روند ویرایشی با متخصصین زبان مبدا شامل چه مراحل بوده، در هیچ کدام از این موارد دیده نمی‌شود. دست‌کم باید از کسی مثل پیروز سیار تقدیر کرد که مقدمه او در ترجمه عهد جدید از نسخه اورشلیم توضیحات کافی برای خواننده ارائه داده است. به نظر من، این اشکالات در پروژه‌ای در این سطح و وسعت وارد است و مخاطبین انتظار دارند این موارد برای آنها حتی المقدور روشن شود. نظر شما به عنوان کسی که هم در دنیای زبان‌شناسی دست دارید و هم الاهیات و عمر خود را صرف این امور کردید، چیست؟

من موافقم که برای ترجمه‌ها بهترین کار این است که مطالب مقدماتی شامل اطلاعات در مورد متون اصلی کتاب مقدس، هدف و نوع ترجمه و مترجمین و روندی که استفاده شده است را ضمیمه کنند. متأسفانه، عهد جدید (انجیل شریف: ترجمه جدید فارسی) وقتی در سال ۱۹۷۶ منتشر شد هیچ مقدمه‌ای نداشت. در همان زمان، انجمن کتاب مقدس، کتاب مقدس‌هایی بدون هرگونه حاشیه یا توضیحی منتشر کرد که هر ترجمه تا حد ممکن برای همه کلیساها و فرقه‌ها قابل پذیرش باشد. آنها فکر می‌کردند که کلیساها مسئول ارائه دادن مطالب توضیحی و تفسیر مورد نیاز خواهند بود. در

گذر زمان که کتاب مقدس کامل در سال ۲۰۰۸ منتشر شد، قوانین انجمن کتاب مقدس هم تغییر کرد: آنها نمی‌خواستند «هیچ یادداشت یا تفسیری حامل عقیده‌ای خاص» را چاپ کنند، و شما می‌بینید که این ترجمه مقدمه‌ای دارد که هدف و نوع ترجمه، خلاصه‌ای از تاریخ ترجمه فارسی کتاب مقدس، روش استفاده شده برای ترجمه، و استفاده از زبان‌های اصلی کتاب مقدس را ارائه می‌دهد. وقتی عهد جدید تجدید نظر شده چاپ شود، خواهید دید که شامل مقدمه نیز خواهد بود. بعضی از کتاب مقدس‌ها را می‌توان «راهنمای کتاب مقدس» خواند. آنها با کتاب مقدس‌های معمولی از این نظر متفاوت هستند که کمک‌هایی به خواننده ارائه می‌دهند. پیروز سیار، مترجم معروف ایرانی، قسمت‌هایی از کتاب مقدس را که کاملاً بر پایه یک راهنمای کتاب مقدس فرانسوی است به فارسی ترجمه کرده که در سال ۲۰۰۱ توسط یک ناشر ایرانی منتشر شد. سیار به علاوه متن خود کتاب مقدس، همه چیز را شامل مقدمه‌ای مبسوط و همه حاشیه تفسیری در کل کتاب مقدس را ترجمه کرد. تا حالا هیچ کتاب مقدس فرقه‌ای یا با عقیده‌ای خاص برای خوانندگان ایرانی آماده نشده است. انجمن کتاب مقدس ایرانیان در غربت، پروژه تهیه کتاب مقدس آموزه‌ای یا راهنما بر پایه متنی که توسط انجمن‌های متحد کتاب مقدس تهیه شده بود را تصویب کرد. این کتاب مقدس حاشیه و توضیحات آموزه‌ای نخواهد داشت، اما شامل توضیح درباره کلمات، جغرافیای کتاب مقدس، و حاشیه در مورد زمینه اصلی‌ای که هر کدام از کتاب‌های کتاب مقدس در آن نوشته شده‌اند خواهد بود.

به عنوان یک پژوهشگر کتاب مقدس، تصدیق می‌کنم که برای شخصی که با کتاب مقدس آشنا نیست فهمیدن بیشتر چیزهایی که در آن هست، چه به زبان‌های اصلی و چه در ترجمه‌ها تقریباً غیر ممکن است. حتی برای مسیحیانی که با کتاب مقدس آشنا هستند خیلی مسائل غریب هستند و احتیاج دارند که توضیح داده شوند. بنابراین وجود حاشیه‌ها در یک کتاب مقدس مفید است. من بر این عقیده هستم که

آنها باید غیرآموزه‌ای و غیر الاهیاتی باشند، به هر حال خود کتاب مقدس، خودش حرف می‌زند. به طور خاص، ما نباید خوانندگان جدید کتاب مقدس را از شنیدن پیغام خوش آن دور نگاه داریم. حاشیه‌های ما نباید جای روح القدس را که از طریق کلمات کتاب مقدس صحبت می‌کند بگیرند. بهتر است موارد آموزه‌ای برای نویسندگانی که روی کتاب مقدس تفسیر می‌نویسند گذاشته شود.

۲۲ شما در فصل ۱۲ کتاب‌تان را به تحلیلی سبک‌شناسانه تطبیقی ترجمه‌های فارسی به قلم دکتر علی اصغر اقباب اختصاص دادید که به نظرم بسیار پر مغز و مفصل بود و توصیه می‌کنم کسانی که دستی در ترجمه ادبیات مسیحی دارند حتما این فصل را مطالعه کنند. در صورت امکان، قدری درباره این فصل از کتاب به خوانندگان ما توضیحاتی ارائه کنید.

اغلب از من پرسیده می‌شود «بهترین ترجمه فارسی کتاب مقدس کدام است؟» این سوال معمولا اینطور ادامه پیدا می‌کند که «چه تفاوتی میان ترجمه‌های مختلف وجود دارد؟» و در نهایت سوالی پیش می‌آید که به نظر زمینه سوال‌های قبلی بوده: «آیا واقعا لازم است بیشتر از یک ترجمه فارسی برای کتاب مقدس وجود داشته باشد؟» من یک پژوهشگر کتاب مقدس هستم که بسیار به جستجوی مداوم ایرانیان برای پیدا کردن بهترین کلمه برای ترجمه کتاب مقدس از یونانی و عبری به فارسی، علاقه دارم. اما چیز بیشتری لازم است: یک ایرانی آموزش دیده زبان باید شکل‌های مختلف ساختار دستوری یا تفاوت‌ها در روش یا تعداد کلمات در جملات هر ترجمه را تجزیه و تحلیل کند. بنابراین من به سمت یک زبان‌شناس یعنی دکتر علی اصغر اقباب رفتم. او سال‌ها منتقد ادبی سبک ترجمه فارسی کتاب مقدس بود و حالا یک استاد دانشگاه بازنشسته است. من از دکتر اقباب دعوت کردم تا با در نظر گرفتن این سوالات، نه ترجمه مختلف فارسی که در قرن‌های نوزدهم و بیستم

انجام شده‌اند را تجزیه و تحلیل کند: هر کدام از ترجمه‌ها چقدر برای خواندن آسان هستند و چرا؟ چقدر برای فهمیدن آسان هستند و چرا؟ استفاده از اصول مختلف ترجمه چطور بر قابلیت خواندن تاثیر گذاشته است؟ تعداد کلمات با ریشه عربی چه تفاوتی در درک مطلب ایجاد می‌کند؟ دکتر اقباب ابتدا مطالعه‌ای تطبیقی بر روی سه ترجمه از عهد قدیم و عهد جدید انجام داد، که همه آنها تحت حمایت انجمن کتاب مقدس در دوره‌ای نزدیک به ۲۰۰ سال ترجمه شده بودند. او پی برد که این ترجمه‌ها به تدریج برای خواندن و درک کردن آسان‌تر شده‌اند- یک نشانه از موفقیت در ترجمه. سپس، دکتر اقباب سه ترجمه عهد جدید را که اخیرا در همین بازه زمانی توسط سه حامی متفاوت که شیوه‌های ترجمه متفاوتی را استفاده می‌کنند چاپ شده است، با هم مقایسه کرد. او پی برد که هر سه ترجمه به زبان روان امروزی نوشته شده بودند که به راحتی توسط کسانی که سواد ادبی متوسطی داشتند قابل خواندن و فهمیدن بودند. با این حال، تفاوت آنها در سبک و لغات، و کیفیت متنوع‌شان آنها را برای گروه‌های مختلف خوانندگان و اهداف مختلف به صورت بالقوه‌ای مناسب می‌ساخت. «ترجمه تفسیری کتاب مقدس» محاوره‌ای‌ترین ترجمه است و شاید به طور خاص برای کسانی که برای اولین بار کتاب مقدس را می‌خوانند مفید باشد. «کتاب مقدس هزاره نو» ادبی‌ترین است. «انجیل شریف» کمی کمتر ساختار جمله پیچیده نسبت به «هزاره نو» دارد و کلمات اصیل فارسی کمتری دارد. به شکل جالبی، دکتر اقباب توضیح می‌دهد که انتخاب کلمات تنها عنصری از سبک (شیوه ترجمه) است که بر روی درک مطلب تاثیر می‌گذارد و اینکه «استفاده از کلمات فارسی به جای کلمات با ریشه عربی، لزوما به آسان شدن درک مطلب نمی‌انجامد.» کار عالی دکتر اقباب تاییدی است بر این موضوع که خوب است که چند ترجمه فارسی وجود دارند.

🔖 مجله شبان همانطور که از نامش پیداست، نشریه‌ای است مختص شبانان. هدف اصلی ما تجهیز شبانان برای خدمت مسیحی است. شما در جایگاه متخصص کلام و مورخ، چه توصیه‌ای به خوانندگان ما دارید؟

من قسمت اعظمی از زندگی خود را صرف ترجمه کتاب مقدس کرده‌ام. من بر این عقیده‌ام که داشتن ترجمه‌های کتاب مقدس که صحیح و قابل خواندن هستند مهم است؛ بنابراین افراد می‌توانند واقعا کتاب مقدس را بخوانند و بدانند که کلام خدا برای آنها چیست. کار اعظم یک شبان این است که به افراد کمک کند تا یاد بگیرند چطور کتاب مقدس را بخوانند. این یعنی توجه به اینکه چه چیزی در خود متن است، بدون دخالت دادن نظر و الاهیات فرد در متن، بنابراین روح می‌تواند از طریق متن صحبت کند.

من عادت به سوال کشیدن متن را دوست دارم، پرسیدن اینکه معنی متن چیست، چرا اینطور نوشته شده، چرا کلمات مشخصی دارد؟ همچنین شبان می‌تواند به افراد کمک کند تا یاد بگیرند کتاب مقدس را با تمام حواس پنج‌گانه خود بخوانند. صداها و رایحه‌ها چه هستند؟ یک نفر چه می‌بیند؟ چه چیزی می‌تواند لمس یا چشیده شود؟ به تازگی در مراسم تدفین کشیش شموئیل اسحاق که شبان بزرگترین کلیسای پروتستان ایران بود شرکت کردم. من با این شهادت که او می‌دانست داستان‌های کتاب مقدس را طوری تعریف کند که شما می‌توانستید خودتان را آنجا تصور کنید، تحت تاثیر قرار گرفتم. وقتی او شبان بود هیچ تفسیر یا منابع کتاب مقدسی به زبان فارسی یا سریانی وجود نداشت - او فقط یک کتاب مقدس داشت. خیلی از افراد امروزه اساسا فقط کتاب مقدس دارند. آنها احتیاج دارند که بدانند چطور آن را بخوانند، بنابراین شخصا خودشان درگیر متن می‌شوند. من به این پی بردم که مطالعه گروهی کتاب مقدس بهترین راه برای یادگیری و به کار بردن آن در زندگی‌هایمان است. با مطالعه گروهی کتاب مقدس فهمیدم که نقش شبان کمک کردن به شرکت‌کنندگان است

تا پی ببرند چه چیزی در متن برای‌شان وجود دارد و با هم مفهوم آن را برای خودشان کشف کنند. شبان شخص صاحب اختیار نیست بلکه جستجوگری است برای درک کردن همراه با همه در گروه. خیلی از عالی‌ترین بینش‌هایی که من نسبت به کتاب مقدس دارم از طریق به اشتراک گذاشتن عقاید در یک گروه بوده است.


🔖 در انتها، اگر موردی یا بحثی درباره کتاب خودتان دارید، می‌توانید با ما در میان بگذارید. در ضمن، خوانندگان این مصاحبه چطور می‌توانند این کتاب را تهیه کنند؟ قدری هم از کتاب‌هایی که تاکنون نوشته‌اید و یا در آینده در دست تالیف دارید برای ما بگویید.

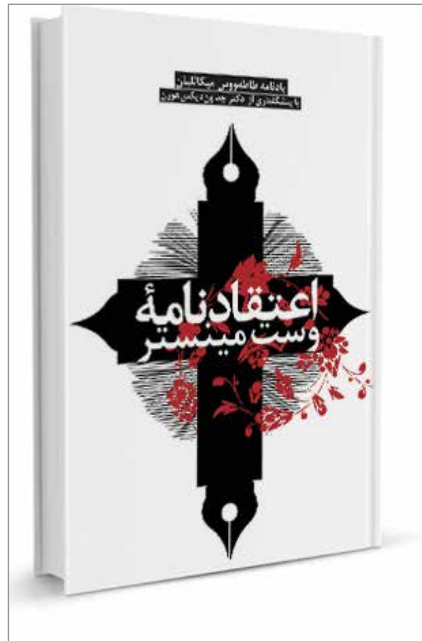
اسم کتاب جستجوی پراشتهاب: تاریخی از ترجمه فارسی کتاب مقدس است. «جستجوی پراشتهاب» در عنوان کتاب به تلاش مداوم مترجمین ایرانی در طول تاریخ برای انتخاب کلمات مناسب برای اصطلاحات مهم کتاب مقدس اشاره می‌کند. اگرچه همه مترجمین سعی کرده‌اند تا بهترین کلمه موجود را پیدا کنند، مسیحیان فارسی‌زبان معمولا به پذیرفتن انتخاب‌های مترجمین گذشته که به اندازه کافی خوب بوده‌اند، تمایلی ندارند. به طور مثال کلمه یونانی که در ترجمه انگلیسی با کلمه استاندارد righteousness شناخته می‌شود به ۱۷ اصطلاح مختلف در ترجمه‌های فارسی انجیل ترجمه شده است. چهار ترجمه انجیل که معمولا امروزه استفاده می‌شوند چهار کلمه متفاوت را برای این اصطلاح استفاده کرده‌اند: عدالت در ترجمه قدیم، نیکی مطلق در انجیل شریف، نیک کردار در تفسیری و پارسایی در هزاره نو. این جستجوی مداوم برای کلمه درست بدون شک باعث شده تا مسیحیان درباره مفهوم کتاب مقدس فکر کنند، اما من با این حال به این فکر می‌کنم که ممکن است فرهنگ لغت‌های استاندارد بسیار کوچکی وجود داشته باشند که با هم در مطالعه کتاب مقدس، پرستش، الاهیات، منابع مسیحی، رسانه‌ها و گفتگوها استفاده شوند. آیا کلمات متفاوتی که مسیحیان استفاده می‌کنند به

ترجمه‌ای که می‌خوانند ربط دارد؟ از کدام کلمات برای تعلیم حق‌جویان و نوایمانان استفاده می‌کنیم؟

جستجوی پراکندگی چیزهای بیشتری از کشمکش برای یافتن کلمات مناسب را پوشش می‌دهد. کتابی طولانی است و برخی از خوانندگان شاید بخواهند فقط بخش‌های مشخصی از آن را بخوانند. این کتاب را می‌توان از وبسایت آمازون به صورت نسخه چاپی خرید و یا نسخه دیجیتال را می‌توان برای استفاده در اپلیکیشن کیندل یا کتاب‌خوان دانلود کرد. من خودم نسخه چاپی را ترجیح می‌دهم. نوشتن جستجوی پراکندگی مرا برای نوشتن یک کتاب دیگر هدایت کرد به نام «با قدرت روح» که داستان ایرانیان مسیحی است. در حال حاضر این کتاب فقط به انگلیسی در دسترس است، اما منتظر هستیم تا یک نسخه فارسی هم داشته باشیم. ۲۷ داستان کوتاه از افراد ایرانی مسیحی در کتاب به ما کمک می‌کنند تا بفهمیم که کلیسای ایرانی که تاریخ آن حقیقتاً از روز پنطیکاست است، هیچ وقت در طول قرن‌ها نمرده و از طریق رهبران مختلف قوی، برکت یافته است. این کتاب در سال ۲۰۱۵ توسط انجمن کلیساهای انجیلی ایرانی در آمریکای شمالی منتشر شد و می‌توان آن را از طریق تami میوایان سفارش داد (tmayvaian@sympatico.ca). در حال حاضر بر روی مقاله‌ای کار می‌کنم که دو ترجمه انجیل از قرن هفدهم را مقایسه می‌کند که یکی توسط یک مسیحی و دیگری توسط یک مسلمان به فارسی ترجمه شده‌اند و هر دوی آنها توسط شاه مامور این کار بودند. ترجمه مسلمان چندی پیش در ایران منتشر و در کتاب‌فروشی‌های تهران فروخته شد.

می‌خواهم از چند تن از دوستان ایرانی‌ام که در تحقیق، نوشتن و انتشار این کتاب‌ها به من کمک کرده‌اند، شامل اصغر اقباز، منصور خواجه‌پور، تami میوایان و سوریک صیادیان تشکر کنم.

 دکتر توماس، از وقت شما برای این مصاحبه بی‌نهایت سپاسگزاریم.



اعتقادنامه وست مینستر

همراه با ارجاعات کتاب مقدس

ترجمه طاهوس میکانلیان



انجمن مبلغان مسیحی
جهان‌آبادیات مسیحی

بخش دوم (پایانی)

نقدی بر ترجمه‌های کتاب مقدس



نیما علیزاده

ترجمه مؤده

این ترجمه بسیار نزدیک به ترجمه شریف می‌باشد. در حقیقت عهد عتیق این ترجمه با شریف یکی می‌باشد ولی عهد جدید این ترجمه کمی متفاوت است. متن عهد جدید این ترجمه در سال ۱۹۷۶ به چاپ رسید و بعداً متن عهد عتیق آن دقیقاً به سبک انجیل شریف بیرون آمد و عهد جدید این ترجمه فرقی با ترجمه شریف ندارد. این ترجمه با زبان‌های اصلی کتاب مقدس یعنی عبری، آرامی و یونانی مطابقت دارد. تفاوت ترجمه مؤده با ترجمه شریف بسیار نامحسوس می‌باشد و فقط کلمات کلیدی در بعضی آیات تغییر کرده‌اند. برای مثال در انجیل متی فصل ۵ این تفاوت‌ها

را بین این دو ترجمه می‌بینیم:

ترجمه شریف:

- ۶ خوشا به حال کسانی که گرسنه و تشنه نیکی مطلق هستند، زیرا ایشان سیر خواهند شد.
- ۷ خوشا به حال رحم‌کنندگان، زیرا ایشان رحمت خواهند دید.
- ۸ خوشا به حال پاک‌دلان، زیرا ایشان خدا را خواهند دید.
- ۹ خوشا به حال صلح‌کنندگان، زیرا ایشان فرزندان خدا خوانده خواهند شد.
- ۱۰ خوشا به حال کسانی که در راه نیکی جفا می‌بینند، زیرا پادشاهی آسمانی از آن ایشان است.
- ۱۱ خوشحال باشید اگر به خاطر من به شما اهانت می‌کنند



۱۰ خوشا به حال کسانی که در راه نیکی آزار می‌بینند، زیرا پادشاهی آسمان از آن ایشان است.

۱۱ خوشحال باشید اگر به خاطر من به شما اهانت می‌کنند و آزار می‌رسانند و به ناحق هرگونه افتزایی به شما می‌زنند.

۱۲ خوشحال باشید و بسیار شادی کنید، زیرا پاداش شما در آسمان عظیم است، چون همینطور به انبیای قبل از شما آزار می‌رسانیدند.

همانطور که می‌بینید کلمات کلیدی در ترجمه مؤده تغییر کرده و مترادف آنها استفاده شده، ولی روی هم رفته بسیار نزدیک به ترجمه شریف می‌باشد و خصوصیات این ترجمه مثل انجیل شریف می‌باشد.

و جفا می‌رسانند و به ناحق هرگونه افتزایی به شما می‌زنند.
۱۲ خوشحال باشید و بسیار شادی کنید، زیرا پاداش شما در آسمان عظیم است چون همینطور به پیامبران قبل از شما نیز جفا می‌رسانیدند.

ترجمه مؤده

۶ خوشا به حال کسانی که گرسنه و تشنه نیکی خدای هستند، زیرا ایشان سیر خواهند شد.

۷ خوشا به حال رحم‌کنندگان، زیرا ایشان رحمت را خواهند دید.

۸ خوشا به حال پاک‌دلان، زیرا ایشان خدا را خواهند دید.

۹ خوشا به حال صلح‌کنندگان، زیرا ایشان فرزندان خدا خوانده خواهند شد.

کلمات کلیدی استفاده شده در این ترجمه اغلب با ترجمه‌های دیگر متفاوت است و در بعضی آیات این امر بسیار مشهود است. لازم به ذکر است که لزوماً استفاده از کلمات مترادف در ترجمه، نقطه ضعف به شمار نمی‌رود، ولی در قسمت‌هایی می‌تواند خواننده را دچار دوگانگی و ابهام کند که در این ترجمه بسیار کم به چشم می‌خورد.

برای مثال در مقایسه آیات ۱ و ۵ از رساله رومیان فصل هفتم، می‌بینیم که ترجمه مؤده یک کلمه یونانی $\nu\omicron\mu\omicron\upsilon$ (نامو) را در یک فصل با دو کلمه متفاوت ترجمه می‌کند. این کلمه یونانی به قانون الاهی یا همان شریعت اشاره می‌کند که در این ترجمه در یک آیه قانون و در آیه دیگر شریعت ترجمه شده که دلیل این امر مشخص نیست و می‌تواند برای خواننده گیج‌کننده باشد. همچنین علیرغم مفرد بودن کلمه یونانی $\nu\omicron\mu\omicron\upsilon$ (نامو)، در آیه ۱، یک بار در حالت جمع ترجمه شده و یک بار در حالت مفرد. از این نوع انتخاب کلمات در این ترجمه دیده می‌شود که نشان می‌دهد در استفاده از کلمات تداوم کافی نداشته و بعضاً بنا به دلایلی که برای خواننده معلوم نیست، کلمات مترادف در یک متن برای یک کلمه مشخص استفاده شده است.

آیه ۱: ای برادران من، شما از قوانین اطلاع دارید و می‌دانید که انسان فقط تا زمانی که زنده است، ملزم به اطاعت قانون است.

آیه ۵: زیرا هنگامی که ما گرفتار طبیعت نفسانی بودیم، شهوات گناه که به وسیله شریعت برانگیخته شده بود در وجود ما کار می‌کرد و موجب مرگ ما می‌شد.

اما نباید منکر آن شد که این ترجمه، ترجمه‌ای خوب و روان است در بین ترجمه‌هایی که امروز در دست داریم و خیلی‌ها این ترجمه را حتی بهتر از ترجمه هزاره نو می‌دانند.

ترجمه تفسیری

این ترجمه کتاب مقدس برای برخی مسیحیان ساده‌تر است،

ولی این ترجمه در خیلی جاها متن اصلی را به خوبی تفسیر نکرده و اغلب در کنار ترجمه‌های دیگر می‌تواند خواننده را گیج کند. به نظر من این ترجمه حتماً باید در کنار ترجمه دیگری مثل مؤده یا هزاره نو خوانده شود تا مفهوم اصلی به درستی درک شود.

این ترجمه می‌تواند یک کتاب تفسیری مختصر باشد تا ترجمه کتاب مقدس! این ترجمه کلمات کلیدی و مهم در خیلی قسمت‌ها را حذف کرده و به توضیح آنها پرداخته که لزوماً تفسیر فرد یا افراد، صد در صد با کلام گفته شده در متون اصلی یکی نیست و در بعضی جاها می‌تواند در تفسیر دچار خطا شود. ایماندارانی که این ترجمه را به تنهایی می‌خوانند اغلب از این ترجمه راضی هستند ولی مشکل زمانی ایجاد می‌شود که در مطالعه جمعی و در مقایسه با بقیه ترجمه‌ها ایماندار دچار ابهام و به اصطلاح دوگانگی در گفته‌های کلام می‌شود. در بررسی کلام ما اکثر قسمت‌های نوشته شده در کلام را می‌خوانیم و از خود یا نوشته‌های دیگر چیزی نمی‌گوییم. این نوشته‌ها از کلمات تشکیل شده‌اند که برای درک صحیح داشتن، کلمات صحیح مهم است. برای مثال، در آیات زیر می‌بینیم که هم کلمات کلیدی حذف شده‌اند و هم متن طولانی‌تر شده است:

کولسیان فصل سوم آیه ۳:

ترجمه قدیم:

زیرا که مردید و زندگی شما با مسیح در خدا مخفی است.

ترجمه مؤده:

زیرا شما مرده‌اید و زندگی شما اکنون با مسیح در خدا پنهان است.

ترجمه هزاره نو:

زیرا مردید و زندگی شما اکنون با مسیح در خدا پنهان است.

ترجمه تفسیری:

به این دنیای فانی همانقدر دل ببندید که یک شخص مرده

دل می‌بندد! زیرا زندگی شما در آسمان است، همراه مسیح در حضور خدا! در اینجا، کلماتی مثل دنیای فانی، دل بستن، آسمان و در حضور خدا، به نظر برای درک بهتر به متن اصلی اضافه شده و کلمه کلیدی مخفی یا پنهان حذف شده که بار الاهیاتی دارد. در مثالی دیگر در رساله غلاطیان فصل چهارم آیه ۲۵ می‌بینیم که به جای پانوشت، ترجمه تفسیری در خود آیه به شرح وقایع می‌پردازد:

ترجمه قدیم:

زیرا که هاجر، کوه سینا است، در عرب، و مطابق است با اورشلمی که موجود است، زیرا که با فرزندان در بندگی می‌باشد.

ترجمه مزده

هاجر نماینده کوه سینا در عربستان و برابر با اورشلیم کنونی است که خود و فرزندان در بندگی گرفتارند.

ترجمه هزاره نو:

هاجر سیناست، که کوهی است در عربستان، و بر شهر اورشلیم کنونی انطباق دارد، زیرا با فرزندان در بندگی به سر می‌برد.

ترجمه تفسیری:

یکی از این دو روش، اعطای احکام و شریعت است به موسی در کوه سینا. باید توجه داشت که اعراب، کوه سینا را «کوه هاجر» می‌نامند. در تشبیهی که آوردم، کنیز ابراهیم یعنی هاجر را مظهر شهر اورشلیم قرار دادم؛ این شهر همچون مادر یهودیان، و کانون روشی است که طبق آن فقط از طریق اجرای احکام شریعت می‌توان نجات یافت؛ و یهودیان که می‌کوشند از این روش پیروی کنند، همچون فرزندان این کنیز می‌باشند.

تفسیر کلام کار نیکویی است و به خیلی عزیزان علاقه‌مند برای درک بهتر کمک می‌کند، ولی کلام خدا به شکلی که به رسولان داده شده، تا جایی که ممکن است باید از توضیحات

انسانی عاری باشد تا خود فرد با کلام گفته شده روبرو شود. این ترجمه شاید به ما در تفسیر کلام کمک کند، ولی به عنوان ترجمه دقیق کتاب مقدس نمی‌توان به آن رجوع کرد. چیزی که در این ترجمه در معرض خطر است، محو شدن یا کم‌رنگ شدن کلمات ضروری الاهیاتی است که در موعظه یا تدریس کلام خود را نشان خواهد داد. همانطور که قبلاً هم ذکر شد، این ترجمه در کنار ترجمه‌های دیگر باید استفاده شود.

برای درک بهتر تفاوت‌ها در ترجمه‌ها، چند آیه را بین این ترجمه‌ها مقایسه کنیم:

افسیان فصل پنجم آیه ۲:

ترجمه قدیم:

و در محبت رفتار نمایید، چنانکه مسیح هم ما را محبت نمود، و خویشان را برای ما به خدا هدیه و قربانی برای عطر خوشبوی گذرانید.

ترجمه مزده

از روی محبت زندگی کنید و از محبتی که عیسای مسیح با قربانی خویش در راه ما نشان داد، پیروی کنید. او جان خود را مانند هدیه‌ای خوشبو به خدا تقدیم نمود.

ترجمه هزاره نو

و با محبت رفتار کنید، چنان که مسیح هم ما را محبت کرد و جان خود را همچون قربانی و هدیه‌ای عطرآگین در راه ما به خدا تقدیم نمود.

ترجمه تفسیری

نسبت به دیگران، پر از محبت باشید. در این زمینه مسیح الگوی شما باشد، که آنقدر ما را دوست داشت که خود را مانند بره قربانی، به خدا تقدیم کرد تا گناهانمان را پاک سازد. خدا نیز از این قربانی خشنود شد، زیرا محبت مسیح نسبت به ما، در نظر خدا همچون عطر خوشبو بود.

افسیان فصل دوم آیه ۱:

ترجمه قدیم

و شما را که در خطایا و گناهان مرده بودید، زنده گردانید.

ترجمه مژده

در گذشته، شما غیریهودیان به علت خطاها و گناهان خود مرده بودید.

ترجمه هزاره نو

و اما شما به سبب نافرمانی‌ها و گناهان خود مرده بودید.

ترجمه تفسیری:

روزگاری شما نیز به علت خطایا و گناهان‌تان، زیر لعنت خدا قرار داشتید و محکوم به مرگ ابدی بودید.

افسیان فصل دوم آیه ۱۱:

در این آیه کلمه ἔθνος (ات‌ناس) یعنی اقوام، ملت‌ها که کلمه امت‌ها نزدیک به اصل یونانی می‌باشد که در کتاب مقدس اشاره به همان غیریهودیان است. ولی در ترجمه مژده کافران و در تفسیری بت‌پرست ترجمه شده. در چهار ترجمه می‌بینیم که یک کلمه به چهار روش مختلف ترجمه شده است. باید توجه داشت که هیچ‌کدام اشتباه نیستند ولی بار لغوی متفاوتی بین کلمات می‌باشد.

ترجمه قدیم

لهذا به یاد آورید که شما در زمان سلف ای (امت‌های در جسم که آنانی که به اهل ختنه نامیده می‌شوند، اما ختنه ایشان در جسم و ساخته شده به دست است، شما را نامختون می‌خوانند).

ترجمه مژده

بنابراین به خاطر داشته باشید که شما در گذشته جسما جزو کافران بودید و به وسیله اهل ختنه یعنی یک عمل جسمانی که به دست انسان صورت می‌گیرد، نامختون نامیده می‌شدید.

ترجمه هزاره نو

پس شما که غیریهود به دنیا آمده‌اید، و آنان که خود را ختنه شده می‌خوانند، شما را ختنه نشده می‌نامند - در حالی که ختنه آنان عملی جسمانی است که به دست انسان انجام شده است - شما باید به یاد داشته باشید.

ترجمه تفسیری

پس هیچگاه از یاد نبرید که روزگاری شما بت‌پرست بودید و یهودیان شما را خدانشناس و نجس می‌خواندند، در حالیکه دل خودشان نیز ناپاک بود، و با وجود اینکه تشریفات ظاهری و مراسم مذهبی و ختنه را به‌جا می‌آوردند. بلافاصله در آیه بعدی، افسسیان ۲: ۱۲ کلمه χωρίς (کوریس) که قطع شده، جدا شده معنی می‌دهد، در ترجمه مژده دور ترجمه شده است.

ترجمه قدیم

که شما در آن زمان از مسیح جدا و از وطنیت خاندان اسرائیل، اجنبی و از عهدهای وعده بیگانه و بی‌امید و بی‌خدا در دنیا بودید.

ترجمه مژده

در آن زمان از مسیح دور بودید و از مزایای قوم اسرائیل محروم و از پیمان‌هایی که بر وعده‌های خدا متکی بود، بی‌بهره بودید. شما در این جهان بدون امید و بدون خدا به سر می‌بردید.

ترجمه هزاره نو

که زمانی از مسیح جدا، از اهلیت اسرائیل محروم و با عهدهای شامل وعده، بیگانه بودید، و بی‌امید و بی‌خدا در این جهان به سر می‌بردید.

ترجمه تفسیری

در آن زمان، شما کاملاً جدا از مسیح زندگی می‌کردید و جزو قوم خدا نبودید و هیچیک از وعده‌های امیدبخش خدا شامل حال شما نمی‌شد. شما گمراه و بی‌خدا و بی‌امید بودید. در انجیل یوحنا فصل چهاردهم آیه ۱۶ کلمه παράκλητος

(پاراکلیتوس) در تمام ترجمه‌ها به نوعی درست ترجمه شده و هر کدام یک معنی پاراکلیتوس را انتخاب کرده‌اند؛ ولی در ریشه اصلی پاراکلیتوس به یار و یاور و مددکار نزدیک‌تر است.

ترجمه قدیم

و من از پدر سوال می‌کنم و تسلی‌دهنده‌ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند.

ترجمه مزده

و من از پدر درخواست خواهم کرد و او پشتیبان دیگری به شما خواهد داد که همیشه با شما بماند.

ترجمه هزاره نو

و من از پدر خواهم خواست و او مدافعی دیگر به شما خواهد داد که همیشه با شما باشد.

ترجمه تفسیری

و من از پدرم درخواست خواهم کرد تا پشتیبان و تسلی‌بخش دیگری به شما عطا نماید که همیشه با شما بماند.

خروج فصل اول آیه ۱۳ در عبری تنها از چهار کلمه تشکیل شده که ترجمه قدیم و هزاره نو نزدیک‌تر به اصل متن هستند. ولی ترجمه مزده در این آیه مثل ترجمه تفسیری عمل کرده و از بیش از بیست کلمه برای توضیح این آیه استفاده کرده است.

ترجمه قدیم

و مصریان از بنی اسرائیل به ظلم خدمت گرفتند.

ترجمه مزده

ولی مصری‌ها به بنی اسرائیل بیشتر ظلم می‌کردند و آنها را به بردگی گرفته به کارهای بسیار سخت از قبیل خانه‌سازی و هر نوع کار کشاورزی وادار می‌ساختند و هیچ رحمی به آنها نمی‌کردند، به طوری که زندگی آنها تلخ شده بود.

ترجمه هزاره نو

و بی‌رحمانه آنان را به بیگاری واداشتند.

ترجمه تفسیری

بنابراین، آنها را بیشتر زیر فشار قرار دادند، به طوری که قوم

اسرائیل از عذاب بردگی جان‌شان به لب رسید.

جمع‌بندی

همانطور که واضح است، نمی‌توان ترجمه‌ای را کلا رد یا کلا بهتر از دیگری خواند. هر کدام با زحمت بسیار به دست آمده و برای ما ارزش بسیاری دارند. هر یک از ترجمه‌ها در قسمتی، ترجمه‌ای نزدیک به متن اصلی ارائه می‌دهند و این برای خواننده انتخاب را سخت می‌کند و برای خیلی سلیقه و عادت در انتخاب مطرح است. ولی روی هم رفته، ترجمه هزاره نو و مزده، هر دو ترجمه‌های خوب و روانی هستند که هم نزدیک به متن اصلی می‌باشند و هم شیوایی را همراه با پانوشتها و خلاصه هر کتاب در خود جای داده‌اند.

ترجمه هزاره نو و قدیم ترجمه‌هایی هستند که من در کنار ترجمه‌های یونانی و انگلیسی استفاده می‌کنم. در موارد خاص به ترجمه‌های دیگر هم مراجعه می‌کنم. باید در نظر داشته باشیم که هر ترجمه‌ای نقاط ضعف و قدرت خواهد داشت. همیشه خواندن و مقایسه حداقل دو ترجمه متفاوت می‌تواند کمک به وسعت نگرش خواننده و واعظ کند. برای عزیزانی که به زبان انگلیسی مسلط هستند و یا آشنایی نسبی به آن دارند، ترجمه انگلیسی کلام می‌تواند کمک شایانی در تایید و عمق مفهوم داشته باشد. ترجمه‌هایی که من بعد از اصل یونانی نگاه می‌کنم، NIV و ESV است. برای شبانان خواندن دقیق و بسیار آرام کلام بیشتر اهمیت دارد تا نوع ترجمه؛ اما ترجمه خوب در تعالیم ما تاثیر دارد و به فیض خدا در سال‌های آینده ترجمه‌های بهتر همراه با کتب تفسیری دقیق‌تر در جامعه ایرانی به زبان فارسی تهیه شود تا کلیسای ایرانیان در هر نقطه‌ای از جهان از آنها برای بنای کلیسا و جلال نام خداوند عیسای مسیح استفاده کند.



ابزار ترجمه

نویسندگان: سچ و بیان

آنچه در پی می‌آید، فصلی از کتاب «کندوکاو» است که توسط انتشارات جام به چاپ رسیده است. در این کتاب نویسندگان ابزارهای لازم برای درک و مطالعه موثر کلام خدا را ارائه می‌کنند و از آنجایی که این فصل به «ابزار ترجمه» می‌پردازد و به موضوع این شماره مربوط است، آن را در اختیار شما خوانندگان عزیز قرار می‌دهیم. اما شما را تشویق می‌کنیم کل کتاب را تهیه و مطالعه کنید. این کتاب نه تنها به شما برای درک بهتر کلام خدا با استفاده از ابزارهای معرفی شده کمک می‌کند، بلکه به شما در تهیه درس برای اعضای کلیسای تان نیز بسیار کمک خواهد کرد.

مسخره گرفته بود. در یکی از این مطالب، یک مسیحی به فروشگاه فوق‌العاده بزرگ چندطبقه مسیحی‌ای رفت و سوال کرد که آیا کتاب مقدس می‌فروشند یا نه. فروشنده با

یادم می‌آید یک بار مقاله طنزی در یکی از مجلات مسیحی می‌خواندم که تجارت زنجیره‌ای و عظیم دستبندها، نشان ماهی (ایکتوس) و به قولی صنایع دستی مسیحی را به باد

دندان‌های خیلی سفید، در حالی که لبخند به لب داشت، طوری بود که برق دندانهایش چشم مشتری را می‌زد، جواب داد: «البته که داریم! خانم عزیز، تشریف می‌برین طبقه یادزهم ردیف هیفده. گفتم شاید بخواین یه کتاب مقدس جدید ما برای «خانم‌های خانه‌دار پر از روح» که سقف خونه‌شون کاهگلیه هم رو یه نگاهی بیندازین؟ یا شاید بخواین اگر شاغل هستین، نسخه زن شاغل، که حرف‌های مسیح را به رنگ قرمز چاپ کرده و حرف‌های موسی را به رنگ آبی، تهیه کنین؟ شاید بخواین...»

واقعا؟ انگار که هزار ترجمه از کتاب مقدس در بازار وجود دارد و هر سال تعداد زیادی دیگری هم به بازار می‌آید. واقعا خجالت‌آور است، فکرش را بکنید که عده‌ای در دنیا هنوز هیچ کتاب مقدسی به زبان خودشان ندارند. اگر واقعا دوست دارید کار خیر بکنید و کمکی هم کرده باشید، بهتر است قبل از اینکه پولی بابت این نسخه‌های مختلف بپردازید، عوضش به سازمانی مثل انجمن مترجمین کتاب مقدس ویکلیف کمک کنید تا اینکه یک ترجمه دیگر را به زبان انگلیسی بیرون بدهند!

با وجود همه این حرف‌ها، در دست داشتن ترجمه‌های مختلف مزایای زیادی دارد که دست کم مهم‌ترین آنها این است که به ما اجازه می‌دهد از ابزار ترجمه‌ها استفاده کنیم! اما قبل از همه چیز، یک مقدمه خالی از لطف نیست!

کتاب مقدس در اصل به زبان عبری و یونانی نوشته شده: عهد عتیق به عبری (به جز قسمت‌های کوچکی که به زبان آرامی نوشته شده) و عهد جدید به زبان یونانی. بعضی ترجمه‌ها به زبان انگلیسی (و البته فارسی)، این زبان‌های باستانی را خیلی تحت‌اللفظی یا کلمه به کلمه ترجمه کردند. این بدان معناست که خواننده می‌تواند به آنچه در عبری و یونانی گفته شده نزدیک شود، اما عیب آن این است که ترجمه حاصل از آن می‌تواند برای خواندن مشکل یا حتی در مواردی مبهم باشد.

برای مثال یک ترجمه تحت‌اللفظی از پیدایش ۴: ۱ را در

نظر بگیرید: «و آدم زن خود حوا را بشناخت و او حامله شده قائن را زایید.» (ترجمه قدیم یا متن ترجمه کینگ جیمز انگلیسی) کمی درست در نمی‌آید، اینطور نیست؟ واضح است که آدم زن خود را می‌شناخت- اگر هرگز به هم معرفی نشده بودند، ازدواج عجیبی می‌شد! اما در واقع، «شناختن» در عبری روشی مؤدبانه برای صحبت درباره رابطه جنسی است. این قضیه مطلب را قابل درک‌تر می‌کند! آدم با حوا رابطه جنسی داشت و او حامله شد. اما ترجمه تحت‌اللفظی، کلمه‌بندی دقیق عبری را حفظ می‌کند و در نتیجه درک آن مشکل می‌شود.

نسخه‌های دیگر، ترجمه متفاوتی دارند. به جای ترجمه کلمه به کلمه یونانی و عبری، سعی در ترجمه معنی به معنی دارند. این از لحاظ تکنیکی به عنوان اصل «معادل پویا» شناخته می‌شود. نتیجه کار، ترجمه‌ای است قابل درک‌تر، اما به جمله‌بندی اصلی آن خیلی نزدیک نیست. باز پیدایش ۴: ۱، این بار با ترجمه «معادل پویا» (در زبان انگلیسی): پس از آن آدم با زنش حوا هم‌خواب شد و او آبستن شده، [وقتی زمان رسید] پسری زایید...» (ترجمه شریف؛ در این جا ترجمه New Living Translation).

شکی نیست که فهم این ترجمه راحت‌تر است. اما ممکن است به نوع دیگری شما را به دردسر بیندازد. فرض کنید این آیه را می‌خوانید و آنچه به ذهن شما خطور می‌کند این واقعیت است که «وقتی زمان رسید» قائن به دنیا آمد و نکته اصلی که به ذهن‌تان می‌رسد این است که قائن در زمان خاصی به دنیا آمد، شاید زمانی مشخص، و همین موضوع مطالعه کتاب مقدس شما را از مسیر خودش منحرف می‌کند. مسئله این است که این کلمات، یعنی «وقتی زمان رسید» اصلا در ترجمه اصلی عبری وجود ندارد. اینها فقط روش مترجم برای حفظ ریتم جمله در ترجمه است. فکر ما درباره این «زمان» کاملا ساختگی است!

برای اینکه از این گاف‌های بزرگ ندهیم، بهتر است که به بیش از یک ترجمه از متن مراجعه کنیم. مخصوصا اگر شما

دوست دارید از ترجمه‌های پویا استفاده کنید. برای همین پیشنهاد می‌کنیم که حتماً یک ترجمه تحت‌اللفظی هم بخرید.

در ترجمه‌های انگلیسی، ترجمه‌های NASB و ESV جزو ترجمه‌های تحت‌اللفظی هستند (مثل ترجمه هزاره نو). نسخه معتبر کینگ جیمز هم تحت‌اللفظی است، اما از آنجایی که چند صد سالی از ترجمه آن می‌گذرد و ترجمه‌های بهتری از زبان اصلی یونانی به بازار آمده، نسخه‌های جدیدتر طرفدار بیشتری دارند (مثل ترجمه قدیم). شاید بهترین ترجمه تفسیری موجود ترجمه NLT باشد (مثل ترجمه تفسیری) و نسخه متداول حد واسط این دو، ترجمه NIV. (مثل ترجمه مژده)^۱

ترجمه‌ها و سایر ابزارها

یکی از مضرات ترجمه‌های معادل پویا این است که امکان دارد بعضی متون که ما برای استفاده از ابزارهای مان به آن نیاز داریم را از بین ببرند. به این متن از رومیان باب اول توجه کنید:

۱۴ من خود را چه به یونانیان و چه به بربرها، چه به حکیمان و چه به جاهلان مدیون می‌دانم. ۱۵ از این رو اشتیاق بسیار دارم که شما را نیز که در روم به سر می‌برید بشارت دهم. ۱۶ زیرا از انجیل سر افکنده نیستم. چرا که قدرت خداست برای نجات هر کس که ایمان آورد، نخست یهود و سپس یونانی. ۱۷ زیرا در انجیل آن پارسایی که از خداست به ظهور می‌رسد، که از آغاز تا به انجام بر پایه ایمان است. چنانکه نوشته شده است: پارسا به ایمان زیست خواهد کرد. ۱۸ زیرا غضب خدا از آسمان به ظهور می‌رسد بر ضد هر گونه بی‌دینی و شرارت انسان‌هایی که با شرارت خود حقیقت را سرکوب می‌کنند.

(رومیان ۱: ۱۴-۱۸، ه.ن.)

ابزار کلمات ربطی در نمونه بالا بهترین وسیله برای درک این قسمت از کلام خداست. ستون فقرات آیات بالا (آیات

۱۶-۱۸) روی عبارت «زیرا یا چرا که» است. انگار که پولس مجموعه سوالات مخاطبان را پیش‌بینی می‌کند و مسلسل‌وار با استفاده از «زیرا» یا «چرا که» به آنها جواب می‌دهد: از این رو اشتیاق بسیار دارم که شما را نیز که در روم به سر می‌برید بشارت دهم.

«حالا چرا پولس تا این اندازه مشتاق است؟»

زیرا از انجیل سر افکنده نیستم.

«پولس! چرا که نه؟»

چرا که قدرت خداست برای نجات هر کس که ایمان آورد

«پولس! چطور ممکنه؟»

زیرا در انجیل آن پارسایی که از خداست به ظهور می‌رسد.

«اما پولس! چرا لازمه مردم پارسا باشن یا حسابشون با خدا

صاف بشه؟»

زیرا غضب خدا از آسمان به ظهور می‌رسد...

می‌توانید ببینید که «زیرا»ها یا «چرا که»ها چقدر در پیش بردن این استدلال به هم پیوسته مهم هستند. اما در ترجمه مژده فقط ۲ تا زیر داریم (از آیه ۱۶-۱۸). اما می‌توانید «زیرا»های بیشتر را در ترجمه‌هایی که به زبان اصلی وفادارتر هستند (مثل ترجمه بالا) پیدا کنید.

در واقع، حالا که داریم روی این متن کار می‌کنیم، ارزشش را دارد که مکشی کنیم و ببینیم که حذف «زیرا» در ابتدای آیه ۱۸، چقدر تاسف‌آور خواهد شد. یعنی به عبارتی می‌تواند به حذف رابطه بین احتیاج ما به نجات و آنچه باید از آنها نجات بیابیم یعنی غضب خدا بینجامد. فکر می‌کنم این مسئله وقتی بشارت می‌دهیم برای ما اتفاق می‌افتد. ما به مردم می‌گوییم که به «نجات» نیاز دارند. مردم فکر می‌کنند و می‌گویند: «چرا؟ زندگی من که خوبه. من بیشتر از کسی که کنار ساحل با خوشحالی دراز کشیده و داره حموم آفتاب می‌گیرد که به نجات غریق نیاز ندارم!» بعد ما تلاش می‌کنیم تا چیزهایی را به یاد بیاوریم که مسیحیت می‌تواند ما را از آنها آزاد کند: شاید تنهایی، یا حس عدم رضایت فردی یا احساس گناه. این برای تعداد کمی از دوستان مان که اتفاقاً

تنها یا ناراضی یا گناهکار هستند جواب می‌دهد. اما بیشتر دوستان ما احساس خوبی دارند و بی‌علاقه و بی‌اعتنا هستند. اما اگر با محبت به آنها توضیح بدهیم که «غضب خدا از آسمان به ظهور می‌رسد» (آیه ۱۸)، البته بر ضد آنها، و اینکه روزی خداوند در خشم هولناکش همه آنها را که پسرش را رد کردند، مجازات خواهد کرد و به همین خاطر باید نجات پیدا کنند، چه؟ کسانی که کنار دریا هستند به نجات غریق نیازی ندارند اما وقتی در دریا غرق می‌شوند، چطور؟ این همان چیزی است که به آن نیاز دارید!

اشتباه نکنید! ترجمه مژده اساسا ترجمه خوبی است. نمی‌خواهیم مثل بعضی از دوستان غیرمسیحی که استدلال می‌کنند کتاب مقدس مجموعه‌ای از شایعات یک عده از مردم دنیاست، شما را بدگمان کنیم. اصلا اینطور نیست! ما از این امتیاز برخورداریم که ترجمه‌های متعدد خوبی در اختیار داشته باشیم. آنچه ما می‌گوییم این است که برای مطالعه دقیق‌تر، در زمان‌های نسبتا نادری که مطالعه دقیق خیلی اهمیت دارد، بهتر است بیش از یک نسخه ترجمه را بخوانید که در این زمان نسبتا نادر بهتر است از ترجمه تحت‌اللفظی‌تر استفاده کنید.

مثال عملی

عیسی، مرتا و خواهرش و ایلعازر را دوست می‌داشت. پس چون شنید که ایلعازر بیمار است، دو روز دیگر در جایی که بود، ماند. (یوحنا ۱۱: ۵-۶ ه. ن.)

حالا فرصتی است برای استفاده از ابزار کلمات ربط! البته اگر حرف ربطی باشد؟! چون که عیسی مریم و مرتا و ایلعازر را دوست داشت، در رفتن به بستر بیماری ایلعازر درنگ کرد و (اگر دنباله متن را بخوانید) اجازه داد بمیرد. اما فکر می‌کنید و می‌گویید: «واقعا عجیبه. اگر او رو دوست داشت، دلش نمی‌خواست جلوی مردنش رو بگیره؟» به نظر مترجمان نسخه تفسیری نیز این مطلب عجیب می‌آید، و با جایگزین کردن «با این حال» به جای «پس» آن را نسبتا

انعطاف‌پذیرتر و ترجمه روان‌تری از متن به دست دادند. عیسی با اینکه نسبت به مرتا و مریم و ایلعاذر لطف خاصی داشت، با این حال وقتی خبر بیماری ایلعازر را شنید، در محلی که بود، دو روز دیگر نیز ماند. (یوحنا ۱۱: ۵-۶، ترجمه تفسیری)

واقعا مایه تاسف است. با اینکه «پس» عجیب به نظر می‌رسد، اما واقعا لب مطلب را خوب ادا می‌کند ولی ما باز می‌پرسیم: «چرا این تاخیر عیسی کار محبت‌آمیزی است؟ حتما هدف بزرگتری در مرگ ایلعازر وجود داشت و به نظر می‌رسید که دقیقا اینطور هم هست چون عیسی در ادامه این متن (با استفاده از یک حرف ربط دیگر) به وضوح می‌گوید:

آنگاه عیسی آشکارا به آنان گفت: «ایلعازر مرده است. و به خاطر شما شادمانم که آنجا نبودم، تا ایمان آورید. اما اکنون نزد او برویم.» (یوحنا ۱۱: ۱۴-۱۵ ه. ن.)

عیسی عمدا اجازه داد تا ایلعازر بمیرد با آگاهی از اینکه او را از قبر زنده خواهد کرد. هدف او از این کار چه بود؟ تا شاگردانش ایمان بیآورند که او بر مرگ غلبه دارد. ایمان به بهشت «در آن بالاها» خیلی خوب است؛ چون از نگاه هالیوودی، نوعی دنیای زودگذر است؛ شبیه عکسی است که زیادی نور دیده و همه چیز در سایه روشنی از رنگ سفید است. اما عیسی از ما می‌خواهد اطمینان حاصل کنیم که زندگی پس از رستاخیز او چیزی واقعی، فیزیکی، قابل لمس و مشاهده است و او از ما می‌خواهد که این واقعیت را با یقینی کامل بپذیریم، حتی اگر با جسد مرده کسی که دوستش داریم روبرو شویم. بعد او این را در مقابل شاهدان عینی ثابت می‌کند تا ایمان بیآورند و تا ما نیز وقتی که شرح آنچه اتفاق افتاده را می‌خوانیم، ایمان بیآوریم. (یوحنا ۲۰: ۳۰-۳۱) را بررسی کنید.

پی‌نوشت:

۱. New American Standard Bible/ English Standard Version/
New Living Translation/ New International Version

بخش سوم

خصوصیات رهبران کلیسا



نویسندگان: وندر لاگت و دی هان

شخصی خدا ترس:

اگر دزدی تلویزیون یا ویدئوی شما را بر باید، آیا بسیار ناراحت می شوید؟ اگر سرمایه ربايي پس انداز بانكي شما را بر باد دهد، چه خواهید کرد؟ آیا وقت بیشتری صرف رسیدن به خودروی خویش می کنید، تا صحبت با اعضای خانواده خود؟ آیا مسائل کاری شما، تمام فکر و توان شما را به خود مشغول کرده اند؟ آیا برای دعا و مطالعه کتاب مقدس، وقت لازم را صرف می کنید؟ دفتر یادداشت مخارج و رسید مالی کارت اعتباری شما، در مورد ارزش های مورد توجه تان، چه چیزی را نشان می دهند؟ اینها پرسش هایی هستند که مشخص می کنند در زندگی مان بر چه چیزی بیشتر سرمایه گذاری می کنیم. رهبران کلیسا با نشان دادن ارزش های خود، باید نشان دهند که خدا برای چه چیزهایی ارزش قائل است.

نه پول دوست (مشایخ و خدام - اول تیموتائوس ۳: ۳، ۸؛ تیطس ۱: ۷): اولویت های مشایخ نباید بر انباشتن ثروت های دنیوی متمرکز باشند. آنها باید نمونه خوبی از کسی باشند که هر چند شاید متمول، اما اولویت اصلی خود را داشتن گنج ها در آسمان می داند (متی ۶: ۱۹-۲۴). هیچکس نباید بتواند رهبر کلیسا را به سوء استفاده از موقعیت خویش برای کسب منافع مالی متهم سازد (اول تسالونیکیان ۲: ۵). وی در روابط مالی خود، چه شخصی و چه اداری، نباید از روش های غیر اخلاقی و سوال برانگیز برای در آوردن پول استفاده کند.

نه طماع (مشایخ - اول تیموتائوس ۳: ۳). این خصوصیت، ارتباط نزدیکی با مورد قبلی یا «پول دوستی» دارد. رهبر کلیسا نباید اسیر مسائل مادی باشد. پول دوستی، شخص را از ایمان منحرف می سازد (اول تیموتائوس ۶: ۱۰).

سوالات متعددی می توانند مشخص سازند که داوطلب رهبری کلیسا، طماع و پول دوست است، یا خیر. آیا به اموال بیشتر توجه دارد یا به اشخاص؟ اگر متمول است (که به خودی خود اشتباه نیست)، آیا دوستان بسیار و متنوع، از جمله از طبقه بی چیز، دارد؟ آیا اغلب وقت خود را صرف جمع آوری و ازدیاد مال و منال دنیوی می کند؟

دوست دار نیکویی (مشایخ - تیطس ۱: ۸): «ویلیام هندریکسن» (William Hendriksen) در تفسیر خود بر رساله به تیطس می نویسد، «دوست دار نیکویی» یعنی «علاقه داشتن به نیکی و فضیلت، و آماده انجام هر کاری بودن که به دیگران منفعت رساند.»

«جین گتز» (Gene Getz) شرح می دهد که این عبارت به شخصی اشاره دارد که «مایل به انجام نیکی و نه بدی است». در غلاطیان ۶: ۱۰ پولس رسول اظهار داشته، «پس تا فرصت داریم به همه نیکی کنیم، به ویژه به اهل بیت ایمان.»

«دوست دار نیکویی» یعنی شخصی که با اعمال خود نشان می دهد که مایل است نیکویی خدا را در هر چه انجام می دهد و در همه روابطی که دارد، منعکس سازد. او همواره بهترین ها

را برای دیگران می‌خواهد.

مقدس (مشایخ - تیطس ۱: ۸): رهبر کلیسا باید صمیمانه مشتاق کسب رضایت خدا از خود باشد. رفتار و کردار او باید منعکس کننده پارسامندی و دینداری‌اش نسبت به خدا باشد. وی باید اولویت اصلی زندگی خود را به حقایق روحانی اختصاص دهد. زندگی او باید نشان دهد که قلبش بر خدا و ملکوت آسمانی او متمرکز است، نه بر امور دنیوی.

ارزیابی این خصوصیت، شاید دشوار به نظر آید، اما پاسخ به این سوالات ممکن است کمک کند: آیا روش زندگی و سخن گفتن شخص مورد نظر، حاکی از این است که وی خدا و کلام الهی او را جدی می‌انگارد؟ آیا شخص مورد نظر، وقت کافی برای مطالعه کتاب مقدس و دعا صرف می‌کند؟

شخصی مهربان: در باب عظیم محبت در کتاب مقدس، یعنی اول قرن‌تین باب ۱۳، پولس فضیلت و برتری محبت را به عنوان خصوصیتی می‌ستاید که باید در زندگی‌مان داشته باشیم.

پس، تعجبی ندارد که پولس مشخصات لازمی را بر می‌شمارد که نشان‌دهنده محبت شخص نسبت به دیگران است. برای یک شیخ یا خادم کلیسا کافی نیست که شناخت کافی از کتب مقدس داشته باشد، معلمی تاثیر گذار به شمار آید، مبالغ‌هنگفتی به کلیسا هدیه دهد، و یا حتی ایمان عظیمی از خود بروز دهد. بدون محبت، اینها همه هیچ هستند. خصوصیات ذیل، جنبه‌های مختلفی را نشان می‌دهند که یک رهبر باید به این ترتیب، محبت خود را آشکار سازد.

ملازم (مشایخ - اول تیموتائوس ۳: ۳): معنی دقیق این واژه بسیار وسیع‌تر از آن است که بتوان آن را با یک کلمه بیان کرد. همه این معانی می‌توانند تا حدودی معادل اصل یونانی این کلمه باشند: رؤف، مهربان، خوددار، باملاحظه، بلند همت، و خوش‌برخورد.

اگر شخصی تندخو، بی‌ملاحظه، گستاخ، یا خشن باشد،

شایسته رهبری کلیسا نخواهد بود.

نه خشن (مشایخ - اول تیموتائوس ۳: ۳). معنی تحت‌اللفظی این واژه یونانی «نه (کتک) زنده» است. شیخ کلیسا نمی‌تواند کسی باشد که بخواهد با ارباب و خشونت، بر دیگران مسلط شود. وی نمی‌تواند «چوب به دست» این طرف و آن طرف برود و در جستجوی کسی باشد که آن چوب را بر سرش بکوبد. او نباید نظر متفاوت خود را با سخنان یا اعمال خشونت‌بار، به کرسی بنشاند. رهبران کلیسا نباید کسانی باشند که محل تشکیل جلسات را به میدان جنگ و محل تبادل سخنان ناشایست و گناه‌آلود تبدیل کنند. در ارزیابی شخص داوطلب رهبری، باید نگاه دقیقی داشت بر این که وی چگونه اختلافاتش را با دیگران حل می‌کند.

میهمان‌نواز (مشایخ - اول تیموتائوس ۳: ۲؛ تیطس ۱: ۸): معنی تحت‌اللفظی این کلمه، عبارت است از «دوست داشتن غریبان». در دوران عهد جدید، این خصوصیت به عملی اشاره داشت که حاکی از رفتار دوستانه و پذیرایی از هم‌ایمانانی بود که در سفر بودند و یا از جفا به خاطر ایمان‌شان به مسیح، می‌گریختند و محتاج کمک بودند.

آیا داوطلب مقام کلیسایی، از تازه‌واردان به کلیسا استقبال می‌کند و به آنان خوشامد می‌گوید؟ آیا او ایمانداران را در خانه خود پذیرا می‌شود؟ آیا نسبت به مبشران و خادمان مسیحی در سفر، میهمان‌نواز است؟

شخصی دارای خانواده‌ای سالم: آیا حاضرید خودروی خود را به دست مکانیکی بسپارید که اتومبیل خودش اوراقی است؟ آیا به دندانپزشکی که کرم‌خوردگی دندان‌های نمایان است، مراجعه خواهید کرد تا از سلامت دندان‌های شما مراقبت کند؟ آیا به کسی که طی سال گذشته پنج بار تصادف کرده، اجازه خواهید داد تا شما را به منزل برساند؟ از کسی که جان و مال خود را به دست او می‌سپاریم، انتظار

داریم توانایی خود را در کارش به اثبات رسانده باشد و بداند چه می‌کند. در مورد رهبران کلیسا نیز این چنین است. آنان باید به گفته‌های خود عمل کنند و برای سایر ایماندارانی که آنها را راهنمایی و خدمت می‌کنند، نمونه‌های خوبی باشند. زندگی خانوادگی شخص، مهم‌ترین جنبه‌ای است که خصوصیات و توانایی رهبری او را آشکار می‌سازد. به همین دلیل، پولس در فهرستی که در اول تیموتائوس و در تیطس ارائه می‌دهد، به ذکر چهار مورد درباره سلامت روحانی خانواده یک رهبر کلیسا می‌پردازد.

شوهر وفادار تنها یک زن (مشایخ و خدام) - اول تیموتائوس ۳: ۲، ۱۲؛ تیطس ۱: ۶: مفسران برجسته کتاب مقدس، در مورد این خصوصیت، نظریات مختلفی دارند. بعضی می‌گویند که شیخ یا خادم کلیسا، در تمام طول زندگی خود، فقط یک بار می‌تواند ازدواج کند. دیگران می‌گویند که معنی این است که رهبر کلیسا در آن واحد می‌تواند فقط یک زن داشته باشد. نظریه دیگر این است که شیخ یا خادم کلیسا باید به زن خود وفادار بماند و با «زن دیگری» رابطه نداشته باشد. نظریه دیگری هم هست که می‌گوید، رهبر کلیسا باید حتما متاهل باشد، نه مجرد.

حداقل معنایی که برای این خصوصیت می‌توان قائل شد این است که اگر رهبر کلیسا متاهل است، باید نسبت به همسر خود وفادار باشد. آیا شخص داوطلب، مردی است که فقط نسبت به همسر خود وفادار است؟ شخص زناکار، کسی که معشوقه‌ای دارد یا با زنان متعددی ارتباط ناسالم برقرار می‌کند، به هیچ وجه شایسته نیست که رهبر کلیسا بشود.

از عهده اداره خانواده خود نیک برآید (مشایخ و خدام) - اول تیموتائوس ۳: ۴، ۱۲: پولس اظهار می‌دارد، کسی که از عهده اداره اعضای خانواده خود بر نمی‌آید، برای اداره کلیسا نمی‌تواند چندان قابل اطمینان باشد. فرزندان او باید به نحو

شایسته‌ای تربیت شده باشند، و لازم است رابطه خوبی با همسرش داشته باشد. این خصوصیت می‌تواند شامل اداره منزل از نظر تامین مالی آن نیز باشد. شخص، به عنوان سر خانواده، باید دارای خصوصیتی باشد که صلاحیت او را برای رهبری جماعت کلیسایی هم مورد تایید قرار دهد.

البته این بدین معنا نیست که در خانه یک رهبر کلیسا هرگز مشکلی پیش نخواهد آمد، اما پاسخ به این پرسش باید مثبت باشد: آیا او در اداره خانواده خود به نحو احسن تلاش می‌کند؟ **فرزندانش باید مطیع و مودب باشند (مشایخ - اول تیموتائوس ۳: ۴؛ تیطس ۱: ۶):** این نکته، مشخص تر بیان می‌کند که رهبر کلیسا چگونه باید خانه خود را اداره کند. فرزندان او باید نشانه‌ای باشند از این که پدرشان چگونه خانواده‌اش را با وقار و انضباط اداره می‌کند. البته هیچ پدری، فرزندان بی‌عیب ندارد، پس نباید توقع داشته باشیم که فرزندان رهبران کلیسا، کامل باشند. اما همان طور که در تیطس ۱: ۶ می‌خوانیم، رفتار فرزندان نباید به گونه‌ای باشد که بتوان آنان را به لجام گسیختگی و سرکشی متهم کرد.

فرزندانش باید با ایمان باشند (مشایخ - تیطس ۱: ۶): این خصوصیت (که معنای تحت‌اللفظی آن این است که «فرزندان باید ایمان داشته باشند») به طور خاص برای مشایخ لازم است، چون آنان مسئول بهبود امور روحانی جماعت کلیسایی خود هستند. می‌توان استدلال کرد که اگر پدری نتواند فرزندان خود را تربیت کند، چطور قادر خواهد بود دیگران را به سوی ایمان و رشد در مسیح هدایت کند؟ البته این خصوصیت بدین معنا نیست که توقع داشته باشیم فرزندان رهبران کلیسا، همچون فرشتگان بی‌عیب باشند، اما لاقبل باید انتظار داشت که به ایمان خود به مسیح، معترف باشند.



کلیسا: بدن واحد

(اول قرن‌تین ۱۲: ۱۲-۱۴) - بخش اول

جان مک‌آرتور

کلیسا چیست؟ جواب‌های زیادی می‌توان به این سوال داد. آنگونه که به ذهن ما می‌رسد، کلیساها می‌توانند خوش‌ساختار، ثروتمند و نهادهایی بسیار سازمان‌یافته باشند یا گروه‌های کوچک زیر زمینی بی‌پول و بی‌سازمان. اما تعریف کتاب مقدسی کلیسا و برداشت ما از ماهیت آن چیست و چگونه باید به آرزوی مسیح درباره کلیسا تحقق ببخشیم؟

اولاً، استعارات کتاب مقدسی متعددی برای کلیسا وجود دارند که از آن جمله می‌توان از خانواده، عروس، تاک، هیکل، ملک پادشاهی، گله و خصوصاً بدن واحد نام برد.

کلیسا بدن مسیح است. برای سایر استعارات، در عهد عتیق معادل‌هایی می‌توان یافت ولی در این مورد چنین نیست. حتی این مفهوم در عهد عتیق وجود ندارد. بدن، جایگاه منحصر به فرد کلیسا در مسیح است.

کلیسا نه عمارتی مادی، بلکه جمعی از ایمانداران؛ نه تشکل

و فرقه یا جماعت، بلکه بدنی روحانی است. کلیسا سازمان نیست، بلکه صمیمیت، مشارکت، و همدلی است که شامل همه ایمانداران می‌شود. این استعاره بی‌نظیر، اساس مطالعه ما را شکل می‌دهد.

مفهوم اتحاد، اساس تعلیم کتاب مقدسی درباره بدن مسیح است. «زیرا چنانکه بدن یک است و اعضای متعدد دارد و تمامی اعضای بدن اگر چه بسیار است یک تن می‌باشد، همچنین مسیح نیز می‌باشد» (اول قرن‌تین ۱۲: ۱۲).

پولس به بدن جسمانی اشاره می‌کند و در ادامه می‌گوید: «می‌دانید که جسم فیزیکی باید همبسته باشد. شما نمی‌توانید اعضای یک بدن را روی هم تلنبار کنید و بگویید که کاری نکنند. شما به اعضای جدا از هم نمی‌توانید بگویید به یکدیگر پیوند بخورید و عمل کنید.»

بدن متشکل از اعضای است که با هم کار می‌کنند. نمی‌توانم

بگویم دستم آنقدر خاص و استثنایی است که آن را قطع می‌کنم و از دستم می‌خواهم که به تنهایی کاری کند. اگر دست را قطع کنم، دیگر استثنایی نیست و خواهد مُرد. بنابراین جوهره بدن، اتحاد است.

در بدن کلیسا، مسیح سر است و سر، حیات است. اگر از زاویه دید دیگری به این استعاره نگاه کنیم، می‌توانید دست یا بازو را قطع کنید، ولی سر همچنان حیات را حفظ خواهد کرد. اگر سر را قطع کنید، حیات از بین خواهد رفت و این امر درباره بدن مسیح نیز صدق می‌کند. «مسیح سر کلیساست» (افسیسیان ۵: ۲۳). بعضی فکر می‌کنند که آنها سر کلیسای شان هستند، اما ایمانداران در مسیح یکسانند و همه منابع - قدرت، حکمت و تعلیم - را از یک سر دریافت می‌کنند.

چگونه یک فرد وارد بدن مسیح می‌شود؟ «زیرا که جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم، خواه یهود، خواه یونانی، خواه غلام، خواه آزاد و همه از یک روح نوشانیده شدیم» (اول قرنتیان ۱۲: ۱۳).

پولس برای تأکید بر اتحاد بدن، چهار بار به کلمه «یک بدن» اشاره می‌کند (۱۲: ۱۲-۱۳). مسیحیان یکی هستند و نجات نقطه آغاز اتحاد است. مسیحیان از این جهت متحدند که همه به وسیله یک روح در یک بدن تعمید می‌یابند.

مردم اغلب سوال می‌کنند که «تعمید روح‌القدس چیست؟» تعمید روح‌القدس جای گرفتن یک ایماندار در بدن مسیح است. «جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم» (۱۲: ۱۳). مسیحی در لحظه نجات وارد بدن مسیح می‌شود و با قدرت روح‌القدس در آنجا جای می‌گیرد و با پذیرفتن عیسی مسیح جزو بدن مسیح می‌شود. او نه تنها در آنجا قرار می‌گیرد بلکه همان روحی را می‌یابد که در دیگر اعضای بدن ساکن است.

پس روح‌القدس همه ایمانداران را احیا کرده، آنها را در بدن مسیح جای داده و در آنها ساکن می‌شود. آیا در همه مسیحیان؟ بله. «هرگاه کسی روح مسیح را ندارد وی از آن او نیست» (رومیان ۸: ۹). هیچ ایمانداری وجود ندارد که روح‌القدس را نداشته باشد. توجه کنید که پولس چگونه به افسسیان یادآور می‌شود که «یگانگی روح را در رشته سلامتی» نگاه دارند (افسیسیان ۴: ۳) زیرا همان روحی که مسیحیان را احیاء کرده و در یک بدن تعمید داده، در آنها ساکن خواهد شد.

یگانگی در روح

بنابراین، اتحاد کلیسا نه بر پایه روابط تصنعی و سازمانی است و نه بسته به کلیسا روندگان؛ بلکه تمام ایمانداران در اثر کار روح واحدی هویت یافته‌اند، و ما در روح یکی شده‌ایم. اگر چه مسیحیان در بدن مسیح یکی می‌شوند اما تمایل دارند تا خود را کنار کشیده و در گروه‌های کوچکتری که به شیوه مشابهی عمل کرده و فکر می‌کنند، جدا سازند. ممکن است مسیحیان در همان جلسات کلیسایی شرکت کنند، با هم بنشینند و حتی در ظاهر با هم صحبت کنند ولی قلبا از هم دور باشند. شاید با بیشتر ایمانداران خیلی صمیمی باشند ولی با تعداد معدودی راحت هستند و یاد نگرفته‌اند که با شیوه‌های عملی یگانگی را نشان دهند. آنان مغایر عملکرد مورد انتظار از بدن عمل می‌کنند، و در نتیجه کل بدن از کار می‌افتد. بیشتر خدمت ما متوجه این است که افرادی را که به صورت تئوریک یکی هستند عملا نیز، همانگونه که خدا می‌خواهد، کنار هم قرار دهیم.

آبر قدیسان وجود خارجی ندارند. خادمی می‌گفت: «کلیسا آنقدر سرد و بدن آنچنان مرده است که اگر کسی با ۳۷ درجه سانتیگراد وارد شود، ما فکر می‌کنیم مریض است و

تب دارد، در حالیکه کاملاً در وضعیت مطلوبی قرار دارد.» سر سپردگی کامل به عیسای مسیح و غرق در خدمت روح شدن به معنای اَبَر بودن نیست بلکه نشان می‌دهد در وضعیت مطلوبی هستیم.

ما در بدن عضو مهم‌تر نداریم. هیچکس نمی‌تواند وارد شود و بگوید «خُب من چنین و چنان کردم که به اینجا رسیدم.» خیر، او کار خاصی انجام نداده است. او، مثل همه، توسط یک روح وارد یک بدن شده است و همین قضیه، نکته اصلی اتحاد مسیحیان محسوب می‌شود. اگر اعمال، راه ورود به بدن را مهیا می‌کرد، همه ما به خود می‌بالیدیم. ولی هر عضوی به واسطه مسیح وارد بدن می‌شود و مسیحیان چیزی برای فخر فروشی ندارند.

تقسیم افراد به دو دسته روحانی و عادی، دست‌کم در این زمینه، غیر کتاب مقدسی است. من به عنوان یک واعظ بالاتر از یک فرد عادی نیستم؛ جز اینکه منبر من حدوداً یک متر بالاتر از سطح زمین قرار گرفته است. من برتر از ایماندار دیگری نیستم و او نیز از دیگری بالاتر یا پایین‌تر نیست. هیچ سلسله مراتبی در استعاره بدن آورده نشده است. عطایای مختلفی وجود دارند، که بعداً به آنها خواهیم پرداخت، ولی سلسله مراتب، جایگاهی در کلیسا ندارند. نمودار سازمانی مسیحیت ساده است؛ مسیح سر کلیساست و خادمین سطوح و درجاتی دارند (اول تیموتائوس ۵: ۱۷)، ولی نمی‌توان آن را با برتری روحانی یکی شمرد. رهبران از طبقه بالای مسیحیان به حساب نمی‌آیند.

همه استعارات کتاب مقدسی کلیسا، بدون استثنا بر اتحاد آن تاکید می‌کنند. کلیسا عروسی است با یک داماد، گله‌ای با یک شبان، شاخه‌های یک تاک، ملکی با یک پادشاه، خانواده‌ای با یک پدر، عمارتی با یک بنیان، و بدنی با یک سر که همان عیسای مسیح است. جایی برای رتبه بندی نیست و مجالی

برای ایمانداران وجود ندارد تا احساس کنند جزو مسیحیان سطح بالا یا پایین هستند. عیسی از گوسفندان بَرَنده و بازنده سخنی به میان نیاورد. به لحاظ مرتبه، همه ایمانداران در مسیح، در یک سطح قرار می‌گیرند.

چیزی به عنوان ایماندار منزوی که خود را تنها و جدا از بدن بداند وجود ندارد. از بچه‌ها گرفته تا جوانان و پیران (اول یوحنا ۲: ۱۲-۱۴)، چه روحانی و چه جسمانی (اول قرنتیان ۳: ۱۶)، همه مسیحیان یکی هستند (اول یوحنا ۲: ۱۲-۱۴). پولس رسول باید با کلیسایی در قرنتس که شدیداً از هم گسسته بود کار می‌کرد (اول قرنتیان ۱: ۱۲). بعضی از مسیحیان می‌گفتند: «من از اِپُلَس هستم.» دیگران می‌گفتند: «نه، من از پولس هستم.» و عده‌ای آنها را رد کرده و می‌گفتند که طرفدار کیفا هستند. آن وقت مقدسانی پیدا می‌شدند و می‌گفتند: «گوش کنید مردم! من پیرو مسیح هستم» (۱: ۱۲). پولس در پاسخ گفت: «آیا مسیح تقسیم شده است؟» (۱: ۱۳) «پس دیگر کسی به انسان‌ها فخر نکند» (۳: ۲۱). مسیحیان نمی‌توانند بگویند: «من از فلان کس یا بهمان کس متابعت می‌کنم.» پولس در ادامه می‌افزاید: «پس هیچکس در انسان فخر نکند، زیرا همه چیز از آن شماس است: خواه پولس، خواه اِپُلَس، خواه کیفا، خواه دنیا، خواه زندگی، خواه موت، خواه چیزهای حال، خواه چیزهای آینده، همه از آن شماس است و شما از مسیح و مسیح از خدا می‌باشد» (اول قرنتیان ۳: ۲۱-۲۳).

مسیحیان باید به مشاجرات گروهی خود خاتمه دهند و به اتحاد انسان‌های نجات‌یافته‌ای بپیوندند که موجودیت متمایز زندگی و در کنار هم بودن خود را مدیون واقعیتی هستند که آنها را با یک روح در یک بدن گرد هم آورده و همان روح در آنها ساکن شده است.



مصاحبه با کشیش سارو خاچیکیان

ترجمه بیست سال طول کشید تا به ثمر برسد. در طی این مدت افراد گوناگونی با من همکاری کردند، برخی کوتاه مدت، برخی بلند مدت. کار این گروه عبارت بود از ترجمه، ویرایش، آزمودن متون ترجمه از طریق نظرخواهی از گروه‌های گوناگون مردم، بازنویسی و اصلاح مجدد متن و غیره. متونی که برای ترجمه تفسیری مورد استفاده قرار دادیم عبارت بودند از: ترجمه قدیمی فارسی، ترجمه New International Version: NIV، و در صورت لزوم ترجمه‌های دیگر Living Bible، و زبان‌های دیگر. علاوه بر این ترجمه‌ها، از کتب گوناگون مرجع و راهنمای ترجمه تفسیر

لطفاً قدری دربارهٔ پیشینه ترجمه تفسیری برای خوانندگان ما صحبت کنید.

در دههٔ ۶۰ میلادی ترجمه‌ای بسیار قابل فهم برای خوانندهٔ امروزی به زبان انگلیسی در آمریکا منتشر شد به نام Living Bible. در این ترجمه سعی شده بود تا حد امکان، فاصلهٔ میان خوانندگان اصلی و خوانندگان امروزی کتاب مقدس کوتاه شود. افراد سازمانی که مسئول نشر این ترجمه بودند از من خواستند همین کار را در مورد کتاب مقدس فارسی انجام دهم. پس عده‌ای از مترجمین از کلیساهای مختلف ایرانی را گرد آورده، در سال ۱۹۷۵ مشغول ترجمه تفسیری شدیم.

کتاب مقدس نیز بهره گرفتیم.

🔖 مهم‌ترین مشخصه این ترجمه چیست؟ به نظر

شما، کاربرد شبانی این ترجمه چیست؟

یکی از هدف‌های این ترجمه آن بود که مطالب کتاب مقدس را برای کسانی که به دلایلی وقت یا امکان مطالعه ادبیات مسیحی و کتب تفسیر کتاب مقدس را ندارند، به صورت قابل فهمی ارائه دهد.

ناگفته نماند که بسیاری از شبانان در ایران نیز جزو این گروه بودند، لذا برای تهیه موعظه از کتاب مقدس تفسیری بهره می‌جستند.

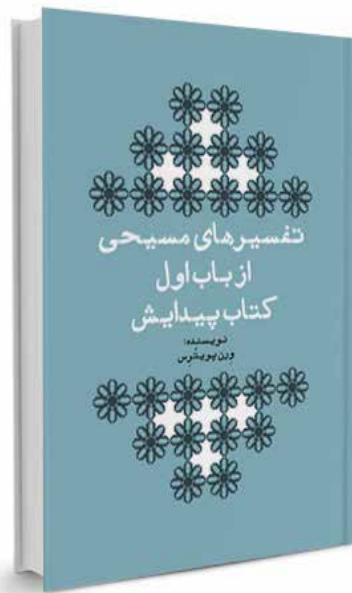
🔖 ارزیابی کلی شما به عنوان یک صاحب نظر،

به دلیل سابقه طولانی در ترجمه، ویرایش و تعلیم از ترجمه‌های متعدد موجود در دنیای فارسی زبان چیست؟

از آنجا که اکثر مسیحیان فارسی زبان با زبان‌های اصلی کتاب مقدس آشنایی ندارند، مراجعه به ترجمه‌های گوناگون کتاب مقدس به زبان فارسی و نیز در صورت امکان زبان‌های دیگر سبب می‌شود معنی متن اصلی کلام خدا را بهتر بفهمند.

در ضمن هر یک از ترجمه‌های فارسی می‌تواند در موقعیت‌های گوناگون به کار برده شود. برای مثال، مسیحیان می‌توانند از ترجمه تفسیری برای رازگهان استفاده کنند و از سایر ترجمه‌ها در مطالعه عمیق‌تر کتاب مقدس بهره بجویند. بسیار مهم است که فکر خود را زیاد درگیر این موضوع که کدام ترجمه بهتر از دیگری است نکنیم. در همه ترجمه‌های موجود به زبان فارسی، نهایت کوشش به عمل آمده تا کلام خدا به بهترین شکل به خواننده ارائه شود. بنا به نیاز و موقعیت، می‌توان از همه ترجمه‌ها بهره جست.

🔖 از زمانی که در اختیار ما گذاشتید، بسیار سپاسگزاریم.



تفسیرهای مسیحی از باب اول کتاب پیدایش

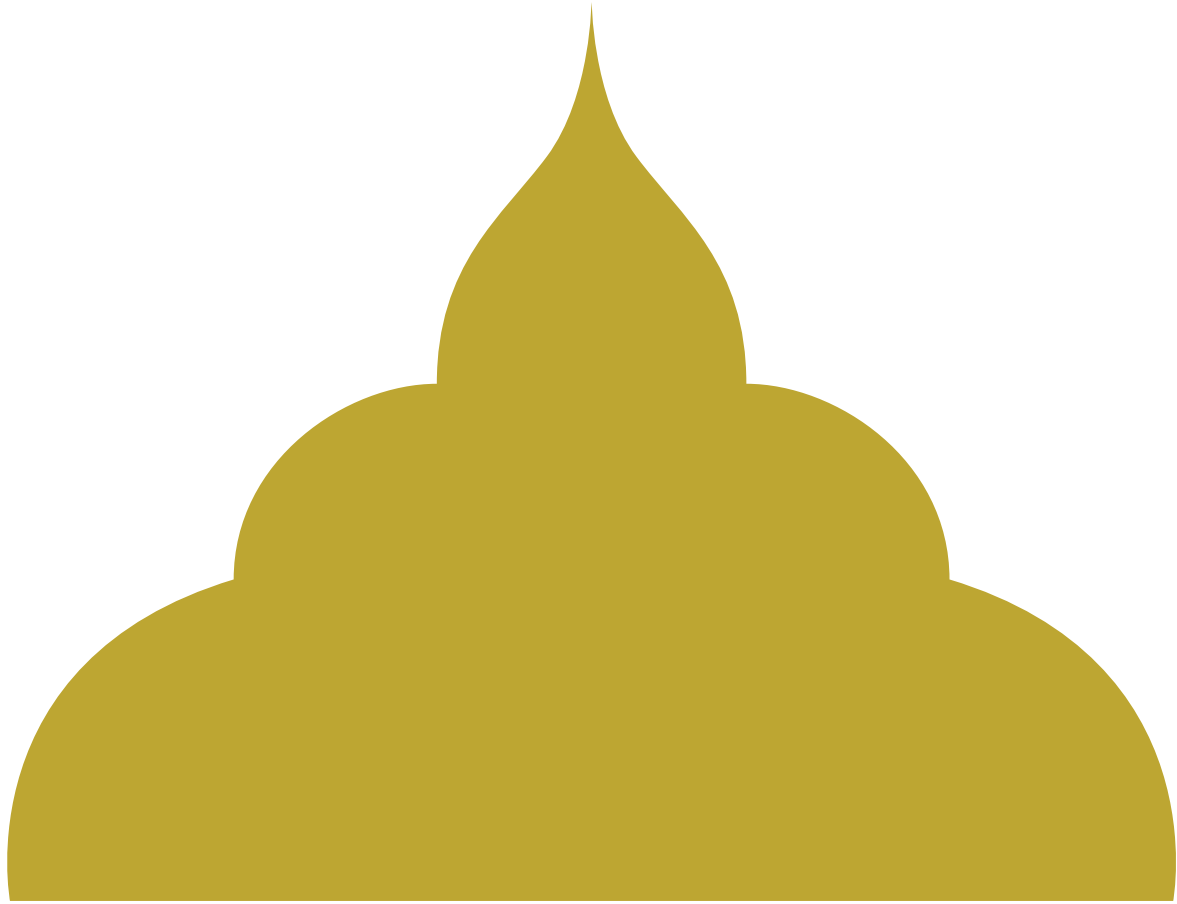
نوشته ورن پویترس



انجمن‌های مسیحی
جهان ادبیات مسیحی



انتشارات جام
جهان ادبیات مسیحی



مجله شبان

محصول مشترک خدمات

تعلیم و انتشارات جهان ادبیات مسیحی

در طرحی نو برای

تجهیز و تعلیم شبانان و کشیشان فارسی زبان



انتشارات جام
جهان ادبیات مسیحی

order@judeproject.org